

تبیین نظری الگوی امنیت ملی کشورها در جغرافیای سیاسی

محمود نورانی* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر محمدرضا حافظ‌نیا - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر سیدیحیی صفوی - استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

چکیده

جغرافیای سیاسی علم مطالعه بُعد سیاسی فضا است و یکی از مهم‌ترین عناصر این بُعد، امنیت به طور عام و امنیت ملی به طور خاص است. از آنجائی که جایگاه ضروری امنیت کشورها در استراتژی‌های ملی دولت‌ها مشهود است. از این‌رو بسترسازی رهنامه‌ی امنیت ملی نیازمند طراحی الگوی مناسب برای ارزیابی میزان تحقق و نیز تحولات آن می‌باشد. سوال اصلی پژوهش حاضر بدین گونه صورت‌بندی شده است: طراحی الگو نظری جامع یا سازوکاری برای سیاست‌گذاری امنیت ملی مبتنی بر رویکرد جغرافیای سیاسی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ هدف تحقیق به دنبال تبیین الگوی نظری جامع امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و در ضمن آن تعداد نمونه از حجم جامعه‌ی آماری مطلع ۵۰ نفر انتخاب گردیده است که داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده در مورد منطقی‌سازی رابطه‌ی بین اجزاء الگوی نظری امنیت ملی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شد. در همین راستا به دو شیوه‌ی قیاسی و استقرائی استنباط منطقی از الگو و روابط میان درون‌سطحی سه‌گانه‌ی الگو اقدام شده است. یکی دیگر از منابع گردآوری داده‌ها و اطلاعات، به کارگیری اسناد علمی از مراجع کتابخانه‌ای بود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که یک نوع همبستگی و ارتباط منطقی و معنادار در ارتباط شاخص‌های امنیت ملی نسبت به همدیگر وجود دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد الگوی مورد نظر بیانگر سه سطح بنیادین اندیشه، سطح دوم واسط در مکانیسم تصمیم و سطح سوم اجراء با عوامل و شاخص‌های تجمیعی در الگوی امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی است.

واژه‌های کلیدی: الگو، امنیت، امنیت ملی، کشور، جغرافیای سیاسی.

مقدمه

امنیت به مثابه چیزی است که باعث ایجاد ایمنی می‌شود یا افراد از بودن خود در هر وضعیت و موقعیت مکانی - فضایی احساس آسودگی خاطر می‌کنند. از این نظر امنیت هم جنبه فیزیکی دارد و هم روانشناختی و به هر دو بعد مقادیر مختلفی اختصاص می‌گردد. مفهوم امنیت ملی و بین‌المللی در شکل کلاسیک آن بر بعد نظامی و سیاسی تأکید داشته و تمرکز و مؤلفه‌ی نظامی/دفاعی پر اهمیت‌ترین شاخصه‌ی تعیینی امنیت بود اما بارزترین منبع اهمیت و سیالیت امنیت چیزی است که مردم برای آن ارزش قائل می‌شوند که واضح‌ترین آن‌ها تهدیدهای فیزیکی است (Lipmann, 2010:112). تهدیدهای روانشناختی - آنچه باعث احساس امنیت یا ناامنی در افراد می‌شود - غالباً کم‌تر قابل لمس هستند و مورد تفسیر انسان قرار می‌گیرند: افراد مختلف در یک موقعیت مشابه کم و بیش احساس امنیت یا ناامنی می‌کنند. در هر صورت، درجه امنیتی که تجربه می‌شود می‌تواند بسته به فرد و شرایط متفاوت باشد (Buzan, 2006:32). امنیت ملی با موضوع زندگی و مرگ، ایمنی، رفاه و حتی به طور بالقوه موجودیت کشور و شهروندانش سروکار دارد (Snow, 2017:22). علاوه بر این امنیت دولت و جامعه و نحوه ارتباط امنیتی میان این دو، همیشه میزانی برای سنجش رفتارها و هنجارهای اجتماعی (مردمی) و ظرفیت و تحمل حکومت‌ها بوده است (Herman, 2009:56). بنابراین امنیت کشورها در عرصه‌های مختلف جهانی در معرض ناامنی‌های متعدد و پیچیده قرار دارند. دولت‌ها برای تأمین امنیت لازم در گستره ملی خود با مشکلات و تهدیدهای امنیت روبرو هستند. نحوه تأمین امنیت از کلیات امنیتی به سرفصل‌های امنیتی تبدیل شده و همه این سرفصل‌ها زنجیروار به هم متصل‌اند (Yazdanpanah, 2017:5). طراحی الگوی امنیت ملی کشورها به منظور تعیین وضعیت راهبری امنیتی آن‌ها در نظام بین‌الملل از دغدغه‌های همیشگی اداره‌کنندگان و مسئولین سیاسی کشورها بوده است. در این راستا تاکنون تلاش‌هایی جهت ارائه رویکردهای نظری در قالب مکتب‌های امنیتی برای کشورها صورت گرفته ولی همه این تحقیقات و محصولات آکادمیک با نگاه به یک یا چند متغیر نسبی عمل نموده و به خاطر تفاوت در مولفه‌های مورد استفاده، به نوعی نتوانستند بازتاب عینی و عملی شرایط جامع و فراگیر کشورها و محیط‌های پیرامونی آن باشند (Moradian, 2015:169). مسئله قابل ذکر

در پژوهش حاضر این است که یک الگوی منسجم برای امنیت ملی در قالب ساختار روابط منطقی طراحی شود. الگوی امنیت کشورها می‌تواند نقش مهمی در طراحی استراتژی‌های ملی و سیاست‌گذاری‌های دولتی در رابطه با موضوعات امنیتی داشته باشد. بکارگیری الگوی حاصل از این تحقیق برای کنترل و هدایت پدیده‌های امنیتی کمک می‌نماید که بتوان با استفاده از این ساختار روابط استاندارد، راهنمای جامع عملکردی برای سیاست‌گذاران و مدیران امنیتی کشورها ارائه نمود. با توجه به این که بسترسازی داکترین امنیت ملی نیازمند طراحی الگوی متناسب برای ارزیابی میزان تحقق و نیز تحولات آن می‌باشد و با بررسی‌های به عمل آمده از پیشینه‌ی موضوع، تاکنون الگوی جامعی برای ارزیابی امنیت ملی تولید نشده است، بنابراین تمرکز اصلی تحقیق بر طراحی الگو نظری جامع یا سازوکاری برای سیاست‌گذاری امنیت ملی مبتنی بر عوامل مؤثر و کشف رابطه میان این عوامل، تبیین چگونگی پدیداری امنیت ملی با مشخصه‌های عمده رویکرد جغرافیای سیاسی در الگوی موردنظر است.

۲. روش پژوهش

سبک شناخت در این تحقیق دو خاستگاه مکمل هم دارد. الف) عقل‌گرایی، ب) پوزیتیویسم. فرآیند مطالعات تحقیق با استدلالات عقلی ارزیابی گشته و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر رویکرد به مقوله‌ی امنیت ملی و عوامل آن در این تحقیق تجربه‌گرایانه می‌باشد تا مبین سنجش‌پذیری و ملموس نمودن مفهوم امنیت ملی و شاخص‌های آن باشد. در این بخش با استفاده از نرم‌افزار لیزرل به تجزیه و تحلیل نظرات کارشناسان خبره‌ی حوزه امنیت ملی پرداخته‌ایم. بر اساس ماهیت و روش توصیفی، از نظر شیوه‌ی نگرش و پرداختن به مسأله تحلیلی است. تحقیق بر مبنای هدف، بنیادی نظری می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. رویکرد تحقیق تبیین منطقی با دو شیوه استدلال قیاسی و استقرائی است.

برای تأیید روایی تحقیق، پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق در زمینه‌ی مبانی نظری موضوع و سوابق تحقیقات انجام شده با استفاده از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و کاوش کامپیوتری، پرسشنامه

حاوی ۷۰ سوال طراحی شد و در اختیار افراد صاحب نظر و متخصصان موضوعی قرار گرفت که پس از جمع آوری نظرات آنان و اعمال اصلاحات لازم، روایی ابزار مورد تأیید قرار گرفت. در این پژوهش، متغیرهای جمعیت‌شناختی به صورت توصیفی ارائه شده‌اند و برای بررسی فرضیه‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار لیزرل (Lisrel)^۲ استفاده شده است.

مدل‌سازی معادلات ساختاری، یک تکنیک تحلیل چندمتغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیره و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگران امکان می‌دهد، مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه‌ی هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. کاربرد اصلی این مدل در موضوعات چندمتغیره‌ای است که نمی‌توان آن‌ها را به شیوه‌ی دو متغیری با در نظر گرفتن هر بار یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته انجام داد. به بیان دیگر، مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری، یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره‌ی روابط بین متغیرهای مشاهده‌شده و مکنون (پنهان) است که گاه تحلیل ساختاری کوواریانس، مدلیابی علی و گاه نیز لیزرل نامیده می‌شود، اما اصطلاح غالب‌تر، مدلیابی معادله‌ی ساختاری است. مدلیابی معادلات ساختاری بر پایه‌ی فرضیه‌هایی درباره‌ی وجود روابط علی بین متغیرها، مدل‌های علی را دستگاه معادله‌ی خطی آزمون می‌کند. بدین ترتیب، مدل‌سازی، روابط نظری بین شرایط ساختاری معین و مفروض را می‌آزماید و برآورد علی میان متغیرهای مکنون و نیز روابط میان متغیرهای اندازه‌گیری شده را امکان‌پذیر می‌کند (Reyhani & Manavipour, 2020:129).

۲-۱. ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌دهندگان

نتایج حاصل از کلیه پاسخگویان نمونه تحقیق، ۵۰ نفر می‌باشد؛ که از این بین ۵ نفر دارای سن کمتر از ۴۰ سال، ۳۶ نفر دارای سن ۴۰ الی ۵۰ سال و ۹ نفر دارای سن ۵۰ سال به بالا می‌باشد که اکثریت پاسخ‌دهندگان بین بازه سنی بیش از ۴۰ تا ۵۰ سال را تشکیل می‌دهند. از بین پرسش‌شوندگان، در مقطع کارشناسی ۱۵ نفر، مقطع تحصیلی کارشناسی‌ارشد ۸ نفر، دکتری ۲۷

1. Structural Equation Modeling

2. Linear Structural Relationships for Latent Variables

نفر، مورد پرسش قرار گرفته است که اکثریت پاسخ‌دهندگان دارای مقطع تحصیلی دکتری می‌باشند. از بین پرسش‌شوندگان، سابقه کمتر از ۱۰ سال ۱۳ نفر، بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۱۵ نفر، بالای ۲۰ سال ۲۲ نفر مورد پرسش قرار گرفته است که اکثریت پاسخ‌دهندگان با سابقه اجرایی بالای ۲۰ سال را تشکیل می‌دهند.

از بین پرسش‌شوندگان، حوزه‌ی امنیتی و دفاعی با ۲۹ نفر، دستگاه‌های اجرایی و دولتی ۱۴ نفر، دانشگاهی و پژوهشی ۷ نفر می‌باشد که اکثریت پاسخ‌دهندگان با ۵۸ درصد گروه نظامی و امنیتی را تشکیل می‌دهند.

۳. پیشینه تحقیق

Edward Azar & Chung In Moon (۱۹۹۹) در رساله‌ای با عنوان ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیستم سیاسی به موضوع گذار از نگرشی واقع‌گرایانه نسبت به مفهوم امنیت ملی و ورود به ابعاد و جنبه‌های نوینی از آن پرداخته است. نویسنده در تلاش است با ارائه یک تقسیم‌بندی از مفهوم امنیت ملی، ابعاد نرم‌افزاری آن را مورد بررسی قرار دهد. این ابعاد بعد از امنیت در نظر نگارنده عبارتند از: مشروعیت، یکپارچگی، ظرفیت سیستم سیاسی. چهارچوب بحث در واقع برقراری ارتباط بین سه ویژگی فوق از مفهوم امنیت ملی است. نهایتاً نویسنده برحسب جنبه‌های فوق مبادرت به ارائه یک سنخ‌شناسی از امنیت ملی در جهان سوم می‌نماید.

Secretariat of the National Security Council of India (۲۰۰۱) در تحقیقی به شاخص‌سازی امنیت ملی (NSI) و اندازه‌گیری قدرت جامع ملی کشورها پروژه تحقیقاتی با دست‌یافتن به این نتیجه که امنیت ملی، امری جامع و تابعی از قدرت جامع ملی می‌باشد، پرداخته است. این تحقیق اندازه‌گیری قدرت جامع ملی در میان کشورهایی که شاخص خوبی از امنیت دارند، راهنمای خوبی در راستای اندازه‌گیری میزان امنیت در هر کدام و مقایسه میان آن‌ها است. این پژوهش توسط دبیرخانه شورای امنیت ملی هند در سال ۲۰۰۱ انجام گرفت و به موجب آن، شاخص امنیت ملی تعریف شد که قدرت جامع ملی کشورها را مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار می‌دهد. این شاخص، دربرگیرنده متوسطی از پنج شاخص است که عبارتند از: «شاخص توسعه

انسانی»، «شاخص تحقیق و توسعه»، «شاخص عملکرد تولید ناخالص داخلی»، شاخص هزینه‌های دفاعی»، شاخص جمعیت». در این بررسی، قدرت جامع ملی ۳۰ کشور مورد ارزیابی قرار گرفت که هند از میان آن‌ها، رتبه دهم را به خود اختصاص داده بود.

Satish Chandra & Rahul Bhonsle (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان امنیت همه‌جانبه به موضوع مفهوم امنیت ملی که در اغلب مواقع صرفاً به معنای حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی و ثبات داخلی با تمرکز بر قدرت قهری دولت می‌باشد، پرداخته است. از نظر محقق در دنیای پیچیده و مبتنی بر وابستگی متقابل کنونی، با تهدیدات غیرسنجی متعدد، از جمله همه‌گیری‌ها، تغییرات آب و هوایی و مسائلی از این دست، روبه‌رو هستیم که امنیت ملی نیز باید در قالبی فراخ‌تر نظاره و تحلیل شود. چنین نگرش فراگیری در رابطه با امنیت ملی ایجاب می‌کند که عامل تعیین‌کننده امنیت، تنها قدرت قهری دولت نباشد؛ بلکه مفهوم قدرت ملی فراگیر و جامع که ترکیبی از عوامل مختلف در تمام جوانب زندگی ملی است باید به بحث افزوده شود. این فاکتورها، از جمله کیفیت مدیریت کلان، اگر کمی محاسبه شوند، می‌توانند به ایجاد شاخص امنیت ملی به عنوان شاخصی تطبیقی برای مقایسه امنیت ملی نسبی یک کشور در مقایسه با هم‌تایان آن کمک کنند.

Yandybaeva and et al (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان مدل‌ها و الگوریتم‌های ریاضی برای پیش‌بینی امنیت ملی اشاره می‌کند که آنچه صاحب‌نظران امنیت ملی بدان اذعان دارند؛ جستجو برای ارائه مدل‌های بهتر ریاضی برای تصمیم‌گیری استراتژیک در امنیت ملی مورد نیاز است. تصمیم‌گیری در مورد امنیت ملی با مشکلات پیچیده و نامشخصی همراه است و نیاز به تجارت در میان اهداف مختلف دارد. این تصمیمات برخی از تصمیمات اصلی را به دنبال دارد، زیرا می‌تواند به معنای فرستادن ملت به جنگ، منجر به از دست دادن جان کارمندان و زنان و هزینه میلیاردی دلار باشد. صرف نظر از قدرت اطلاعات، همیشه انگیزه‌ها، نقاط قوت و اقدامات آینده دشمن بالقوه وجود دارد. اما نکته مهم در این موضوع این است که گرچه مقامات دولتی و سران ارتش برای تصمیم‌گیری‌های تاکتیکی به مدل‌های ریاضی تکیه می‌کنند، تصمیمات استراتژیک اغلب بدون استفاده از مدل‌ها گرفته می‌شود. نتایج این مقاله نشان از نیاز تحلیل‌گران و مدل‌سازان

ریاضی است که ابزارهای بهتری را برای تصمیم‌گیرندگان امنیت ملی فراهم کنند. تحقیقات باید انجام شود تا بررسی شود که چگونه محققان عملیات و تحلیل‌گران تصمیم‌گیری و ریسک می‌توانند مدل‌هایی را ارائه دهند، توضیح دهند و ارائه دهند در واقع برای مشکلات پیچیده و نامشخص امنیت ملی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۴. تعریف مفاهیم و ادبیات نظری

۴-۱. الگوی نظری

الگوهای نظری به وسیله مجموعه‌ای از مفاهیم منطقی ترکیب شده به منظور کاهش پیچیدگی‌های سطح انتزاعی ساخته می‌شوند. به عبارت بهتر مفاهیم از طریق فرمول بندی در یک ساختار مناسب مبتنی بر مدل‌های ذهنی، ادراکی و ... به عنوان پایه‌ای برای مدل‌های قابل سنجش تولید می‌شوند. الگوهای نظری در واقع مکانیسم قابل تعمیم مجموعه‌ای از مفاهیم به صورت ساخت سیستماتیک می‌باشند (Tayyebi Rahni et al, 2022: 9-10).

۴-۲. امنیت

موضوع امنیت در طول تاریخ، بشریت را همراهی کرده است، زیرا همانطور که بلان^۱ بیان می‌کند، یکی از شدیدترین نیازهای بشری است که احساس می‌شود (Bellane, 2016: 31). متفکران علوم اجتماعی معتقدند که به صورت بنیادین جوامع بشری اساساً برای تأمین امنیت خود شروع به سازماندهی و ایجاد ساختارهای سیاسی و اجتماعی می‌نمایند. به طوری که با تأسیس نهاد دولت و اشکال سازمانی آن، دقیقاً برای تضمین حفاظت و بقای جامعه تلاش می‌شود. دولت وظایف بسیاری را انجام می‌دهد، اما عملکرد تضمین امنیت یکی از وظایف اولویت‌دار آن است (Lukash, 2017: 10). امروزه، در آغاز دهه‌ی سوم هزاره سوم حل مشکلات امنیتی هم‌اکنون بخشی از فرآیندهای مدیریتی در همه سطوح و در همه عرصه‌های زندگی جامعه بشری معاصر نه فقط در سطح دولتی است، با این وجود، پذیرش حوزه‌ی امنیت به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی اجتماعی با مشکلاتی مواجه می‌شود که بارها بحث‌های مهمی را در مورد جنبه‌های

1. Bellane

نظری و روش‌شناختی نه تنها در بخش تحقیق، بلکه در مورد تعریف، استنباط و درک کلی امنیت برمی‌انگیزد.

طبق گفته آزاد و همکاران^۱ "امنیت یک مفهوم پیچیده است، مقوله‌ای از حضور در سطوح مختلف تحلیلی فردی، گروهی، محلی، کشوری، منطقه‌ای و جهانی که در آن چندین عوامل خارجی و داخلی متفاوت، منعطف هستند" (Azad and et al, 2024:36).

محمدرضا حافظ‌نیا^۲ "امنیت را برقراری تعادل وجه عملکردی سیستم اطمینان‌بخش بقا و نیازهای فردی و جمعی انسان، از جمله خود امنیت؛ با شیوه‌ای که نگرانی و ترس را در دیگران ایجاد نکند، می‌داند" (Hafeznia, 2017:65).

«ساک» امنیت را به عنوان "وضعیت موجودیتی که در آن موجودیت، ساختار و عملکرد آن مختل یا تهدید نمی‌شود" تعریف می‌کند (Sak, 2019:303).

به گفته بالدوین^۳، "امنیت نام عناصر واقعی، فرآیندها، ایده‌ها، ساختارها... در یک زمان و مکان خاص است، زمانی که بین بازیگران امنیتی تعادل وجود دارد" (Baldwin, 2018:43).

آیشلر^۴ امنیت را "یک ارزش اساسی و عالی‌ترین هدف هر دولت یا جامعه‌ی هم‌پیمانان امنیتی" (چنددولتی) می‌داند (Eichler, 2015:127).

۳-۴. امنیت ملی

امنیت ملی عبارت است از امنیت و دفاع از یک کشور مستقل اعم از شهروندان، اقتصاد و نهادهای آن که به عنوان وظیفه‌ی دولت تلقی می‌شود. امنیت ملی که در ابتدا به عنوان حفاظت در برابر حمله‌ی نظامی تصور می‌شد، به طور گسترده‌ای شامل ابعاد غیرنظامی نیز می‌شود، از جمله امنیت در برابر تروریسم، به حداقل رساندن جرم، امنیت اقتصادی، امنیت انرژی، امنیت محیطی، امنیت غذایی و امنیت سایبری. به طور مشابه، خطرات امنیت ملی، علاوه بر اقدامات

1. Azad

2. Baldwin

3. Eichler

4. Collective Security Treaty Organization (سازمان پیمان امنیت جمعی)

سایر دولت‌های ملی، شامل اقدامات بازیگران غیردولتی خشن، کارتل‌های مواد مخدر و شرکت‌های چند ملیتی و همچنین اثرات بلایای طبیعی است.

«امنیت ملی توانایی حفظ تمامیت فیزیکی و قلمرو کشور، حفظ روابط اقتصادی خود با سایر نقاط جهان در شرایط معقول، حفظ ماهیت، نهاد و حاکمیت آن و نیز جلوگیری از اختلال از خارج و کنترل مرزهای آن است» (Brown, 2009: 112). «امنیت ملی به بهترین وجه به عنوان ظرفیتی برای کنترل عزم یا استقلال و رفاه آن در شرایط داخلی و خارجی توصیف می‌شود که افکار عمومی یک جامعه معین برای لذت بردن در خود لازم می‌داند.» (Meyer, 2021: 57). «امنیت ملی ترکیبی مناسب و تهاجمی از انعطاف و بلوغ سیاسی، منابع انسانی، ساختار و ظرفیت اقتصادی، شایستگی فناوری، پایگاه صنعتی و در دسترس بودن منابع طبیعی و در نهایت توان نظامی است» (National Defense College of India, 2021: 26). «امنیت ملی وضعیت قابل اندازه‌گیری توانایی یک ملت برای غلبه بر تهدیدهای چندبعدی برای رفاه ظاهری مردم و بقای آن به عنوان یک ملت است. دولت‌ها در هر زمان معین، با ایجاد توازن در تمامی ابزارهای سیاست دولتی از طریق حکمرانی چندوجهی و... توسط متغیرهای مرتبط به آن به امنیت جهانی متصل و یا اثر می‌گذارد» (Paleri, 2022: 126).

امنیت ملی مستلزم حفظ استقلال، تمامیت ارضی، یکپارچگی و حاکمیت دولت در برابر دشمنان داخلی و خارجی؛ ارتقای رشد و عدالت اقتصادی، تأمین و اطمینان از امنیت غذایی، آب و انرژی، اطمینان از توسعه انسانی همراه با تاکید ویژه بر آموزش، بهداشت، مسکن و...؛ ایجاد جوامع دانش‌بنیان با تمرکز بر علم و فناوری، مدیریت ماهرانه چالش‌های چندوجهی که جزئی از جهانی‌شدن است مانند؛ تروریسم، گسترش تسلیحات اتمی، تغییرات آب و هوایی و...؛ ارائه حکمرانی خوب که در آن حاکمیت قانون و ارائه خدمات بدون تبعیض، تضمین شده؛ مکانیسم‌های کارا برای مدیریت امنیت ملی و... است.

۴-۴. جغرافیای سیاسی

جغرافیای سیاسی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم جغرافیایی به مطالعه بعد سیاسی فضای جغرافیایی می‌پردازد. بدین معنی که در فضای جغرافیایی اعم از مقیاس محلی تا جهانی و

فراکروی پدیده‌ها و ساخت‌هایی وجود دارند که اساساً ماهیت فضایی/جغرافیایی دارند و با مؤلفه سیاست درآمیخته‌اند. از این‌رو، جغرافیای سیاسی از آن دست معارف بشری است که از ماهیت ترکیبی برخوردار است که دو مؤلفه اصلی جغرافیا و سیاست در آن اهمیت ذاتی دارند. در عین حال، موضوع ترکیبی جغرافیای سیاسی به صورت پدیده‌های بسیط در فضای جغرافیایی خواه به صورت عینی و ذهنی و خواه به صورت آشکار و پنهان واقعیت و نمود می‌یابند؛ مانند: قلمروسازی و قلمروپایی، حس و عاطفه مکانی/فضایی، وطن‌گرایی و تابعیت، کشورها، ایالت‌ها، مرزها، پایتخت‌ها، مکان‌های مرکزی، دولت‌های محلی، ساخت‌های فضایی-سیاسی منطقه‌ای، قلمروهای ژئوپلیتیکی، فضاها، جغرافیای بحران‌زده، کنش‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف، دینامیسم فضا و سیاست، تجلی‌های فضایی کنش متقابل سیاست و جغرافیا، الگوهای فضایی رأی و انتخابات، حوزه‌بندی رأی، تقسیمات کشوری، آمایش و سازماندهی سیاسی فضا، مدیریت سیاسی فضا، جغرافیا و استراتژی ملی، گردشگری، صلح و امنیت، محیط‌زیست، مهاجرت‌های بین‌المللی، نظام‌های منطقه‌ای و جهانی و... بنابراین، بُن‌مایه فلسفی جغرافیای سیاسی را مکان‌ها، فضاها و پدیده‌هایی تشکیل می‌دهند که از درآمیختگی جغرافیا و سیاست به وجود آمده‌اند. به عبارتی، آن دسته از ساخت‌ها و پدیده‌های فضایی/جغرافیایی که دارای ارزش سیاسی، هویت سیاسی و یا کارکرد سیاسی می‌باشند، موضوع مطالعه جغرافیای سیاسی و گرایش‌های تخصصی آن می‌باشند (Hafeznia & Kavianirad, 2013:23).

۴-۵. ادبیات نظری

مکاتب امنیتی را می‌توان بر اساس ضابطه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. یکی از این ضابطه‌ها مکان‌پیدایش و بالندگی این مکاتب است. از این حیث، آمریکا را باید مبدا پیدایش نظریات امنیتی دانست؛ در مقابل مکاتب آمریکایی که بیش‌تر در مقام نقد آن‌ها هستند می‌توان از مکاتب اروپایی نام برد. مکاتب آمریکایی بر محور ایدئولوژی‌های لیبرالی، نئولیبرالی و محافظه‌کارانه و در نام‌گذاری‌های رئالیسم و انواع آن، سازه‌گرایی و نظریه‌ی نظم جهانی سامان یافته‌اند. مکاتب امنیتی در اروپا شامل مکاتب سنتی (واقع‌گرایی)، مکاتب انتقادی، مکتب کپنهاگ و مکتب پاریس است. در حاشیه‌ی این مباحث، مکاتب پست مدرنیستی و فمینیستی قرار دارند. این مکاتب

متأثر از ایدئولوژی‌های محافظه‌کارانه‌ی انگلیسی، لیبرالیسم و پست‌مدرنیسم فرانسوی و ایدئولوژی مارکسیستی پدیدار شده‌اند. از نظر ماهیت تمام این نظریات و مکاتب مدرن‌اند و کاربرد کلاسیک درباره‌ی برخی از آنها مانند واقع‌گرایی کلاسیک، به معنی تفاوت در صورت‌بندی‌های نظری و روش‌های پژوهش است نه در بنیان‌های نظری انسان‌شناختی و هستی‌شناختی آن.

نکته‌ی دیگر اینکه مکاتب امنیتی گرچه در موضوع امنیت نوآوری‌های مفهومی دارند، در ابعاد معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و امدار مکاتب فلسفی و معرفت‌شناختی هستند. از این نظر مکاتب امنیتی، از دو منشأ هستی‌شناختی ایده‌آلیستی، ذهن‌گرایانه و ماتریالیستی، عقل‌گرایانه و معرفت‌شناسی بازتابی و پوزیتیویستی متأثرند. مکتب انتقادی و سایر مکاتب پست‌مدرن در هستی‌شناسی، ایده‌آلیستی و ذهن‌گرایانه در معرفت‌شناسی، بازتابی هستند. مکاتب نظام جهانی و مکاتب سنتی امنیت در هستی‌شناسی، ماتریالیستی عقل‌گرایانه و در معرفت‌شناسی پوزیتیویستی هستند. سایر مکاتب، مانند مکتب کپنهاگ، مکتب پاریس و سازه‌گرایی متأثر از هر دو اردوگاه یا منبع هستند. علاوه بر این، از نظر سطح تحلیل، مکتب نظام جهانی به کل‌گرایی و مکتب سنتی به فردگرایی تمایل دارد. توضیح اینکه تمایز میان مکاتب آمریکایی - انگلیسی و مکاتب اروپایی امنیت در معرفت‌شناسی به تمایزات اساسی‌تری که بنیان‌های فلسفی این مکاتب را می‌سازد، برمی‌گردد.

در این موضوع به اعتقاد هگل مقولات تفسیری خرد کانتی را باید در موقعیت تاریخی و زمانی و محصور در مکان درک کرد. چنین نگرشی به عقل، دانش و حتی حقیقت خط سیر کاملاً متفاوتی از معرفت‌شناسی را در اروپای قاره‌ای ایجاد کرد. از الزامات ایده‌ی هگلی این بود که هر عقیده با اینکه می‌تواند حقیقی باشد اما جزئی است و درک آن منوط به قرار گرفتن در چشم‌انداز تاریخی و فرهنگی آن است (Alcoff, 2008: 287). این ایده‌ها در دو کشور فرانسه و آلمان هوادارانی یافته و از آن زمان تاکنون معرفت‌شناسی مبتنی بر تاریخ و فرهنگ، بنیان بسیاری از نظریات از جمله نظریات امنیت قرار گرفته است.

معرفت‌شناسی مارکسیستی، تبیینی ماده‌گرایانه از چشم‌انداز تاریخی به دست داده که اساس آن، روح هر عصر در دانشی که اساساً از اقدامات اقتصادی برآمده، بیان می‌شود. مقولات تفسیری

خرد کانتی اگر در دستگاه هگلی تاریخی شد، در نظم مارکسی با پیوند با منافع طبقاتی سیاسی شد. ایدئولوژی به مفهومی که مارکس از آن یاد می‌کند، تحلیلی از چگونگی تأثیرگذاری روابط قدرت بر شکل‌گیری عقاید و ساخت هویت‌ها و تجربیات ذهنی به دست می‌دهد. اعتقادات مارکس بر مکتب فرانکفورت و برخی دیگر از مکاتب انتقادی تأثیر گذاشت. از نظر نیچه، حقیقت اقدام و عملی انسانی و همچون حرکتی در یک بازی است که قواعد آن اقتضایی است نه ضروری. ارزیابی مدعیات حقیقت باید مبتنی بر آثار راهبردی آنها باشد نه در توانایی آنها در بازنمایی واقعیتی که تصور می‌شود وجودی مستقل و خارج از نفوذ انسان دارد. از نظر او آنچه حقیقت خوانده می‌شود، عقایدی است که، اما تبارشناسی آنها را از یاد برده‌ایم (Alcoff, 2008: 288-289). متأثر از افکار نیچه و مارکس و آنها متأثر از هگل و او از کانت در قرن بیستم چند رویکرد متفاوت به معرفت‌شناسی پدیدار شد و آثار عمیقی در حوزه‌های مطالعاتی و رویکردهای عملی به سیاست و جامعه به خصوص در حوزه‌ی مطالعات امنیتی بر جای گذاشت. پدیدارشناسی، نظریه انتقادی، هرمنوتیک فراساختارگرایی و فمینیسم، اهم این رویکردها هستند. این رویکردها در مطالعات امنیتی نیز آثار خود را بر جای گذاشتند.

جدول (۱): ریشه‌ها، اندیشمندان و مصادیق مفهومی مکاتب امنیتی

ردیف	مکتب	پازه زمانی	مکان	ریشه‌های تاریخی	اندیشمندان	مصادیق مفهومی
۱	واقع گرایی	۱۹۴۵- ۱۹۶۰	آمریکا	توسیدید (نمونه) واقع گرایی کلاسیک چاناکیا ابن خلدون هان فی زی نیکولو ماکیاوولی (نمونه واقع گرایی) تاریخی کاردینال ریشلیو توماس هابز فردریک کبیر شارل-موریس دو تالیران-پریگور کلمنس ویتسل فون مترینخ	ای اچ کار آرنولد نیبور فردریک شومان ریبون آرون جرج کتان هانس مورگنتا	الف: نظام بین‌الملل آنارشیک است. الف-۱: هیچ بازیگری که قادر به تنظیم روابط متقابل دولت‌ها باشد، مافوق دولت‌ها وجود ندارد. (حکومتی بر حکومتها حکومت نمی‌کند) دولت‌ها به جای اینکه از سوی قدرت مافوقی به آن‌ها دیکته شود، خود باید در روابط با دیگر کشورها وارد شوند. الف-۲: نظام بین‌الملل در یک وضعیت ستیز دائمی قرار دارد. ب: دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل هستند. ج: تمامی دولت‌ها در نظام بین‌الملل بازیگرانی عقلایی هستند. ج-۱: دولت‌ها تمایل دارند به دنبال منافع ملی خود باشند (اصل خودیاری) و خودیاری مبتنی بر پدیده قدرت است. ج-۲: گروه‌ها برای به دست آوردن بیشترین منابع ممکن در تلاش هستند. د: نگرانی اصلی تمامی دولت‌ها حفظ بقا می‌باشد. د-۱: دولت‌ها برای حفظ بقای خود نیروها و ظرفیت نظامی خود را بیشتر می‌کنند، که این امر ممکن است به معمای امنیت منجر شود. ه: موازنه قوا: از آنجا که قدرت هر بازیگر تهدیدی برای دیگران است، تنها راه حل جلوگیری از قدرت یافتن دیگران است.

تبیین نظری الگوی امنیت ملی کشورها در جغرافیای سیاسی ۱۳

۱-۱	نواقع گرای	۱۹۷۹	آمریکا	کارل فون کلاوزویتس اتو فون بیسمارک ژان ژاک روسو (نمونه واقع گرایی ساختاری)	کنت والتز جان مرشمایر استفن والث استفن وان ایور جان استایدر	الف: نواقع گرایی تهاجمی: سرشت نظام بین الملل به تهاجم و منازعه منجر می شود. امنیت کالای کمیایی است که به رقابت بین المللی و معمای امنیتی میان کشورها دامن می زند و وقوع جنگ را محتملتر می سازی. کشورها برای تأمین امنیت خود راهبردهای تهاجمی در پیش می گیرند که طبعاً واکنش دیگر کشورها را در پی دارد و به تشدید ناامنی و معمای امنیتی کمک می کند. ب: نواقع گرایی تدافعی: به دنبال موازنه قوا و بازدارندگی هسته ای میان دولت ها در برابر تهداها با سایر قدرت ها هستند. از این نظر، ماهیت هرج و مرج گونه نظام بین الملل و منطق ان تشویق به تجاوز ایجاد نمی کند، بلکه مشوق خویشن داری است. ج: نواقع گرایی انگیزشی: با زیر سوال بردن این فرضیه که تمامی دولت ها همواره به صورت مطلق به «بقاء» بر روی دولت هایی متمرکز شده است که به دنبال جستجوی امنیت فراتر از بقاء هستند. در این رهیافت جویای امنیت، طمع و گسترش حوزه نفوذ توسط دولت ها به عنوان نشانه های نواقع گرایی انگیزشی قلمداد می شود.
۲	لیبرالیسم	۱۹۷۹	انگلستان آمریکا	جان لاک جرمی بنتهام امانوئل کانت توماس فرانک آدام اسمیت توماس پین فرناندو تسون جان رالز آندره مورائسکی ان مازی اسلاتو	واکر توماس کوهن جوزف نای گوردیچ آلیسون زلیکف ریس کپن اشنایدر	الف: سرشت و ذات بشر اساساً خوب یا نوع دوستانه است و بنابراین انسان ها قادر به کمک متقابل و همکاری هستند. ب: نگرانی اساسی بشر برای رفاه، ترقی و پیشرفت را امکان پذیر می سازد. یعنی این اصل روشنگری در مورد امکان رشد و توسعه تمدن مجدداً مورد تأیید و تصدیق قرار می گیرد. ج: رفتار بد انسان، محصول و معلول انسان شرور نیست، بلکه معلول نهادها و ترتیبات ساختاری بشر است که انسان ها را تحریک می کند تا خودپرستانه عمل کرده و به دیگران آسیب برسانند و بجنگند. ج: انسان اگر بر مبنای فطرت خوب و نوع دوست خود عمل کند رفتاری همکاری جویانه و صلح آمیز خواهد داشت. به تبع آن، اگر انسان ها و سیاست مداران خود ساخته و آموزش دیده در کشورها قدرت را به دست گیرند صلح و همکاری بین المللی تحقق خواهد یافت. د: برای استقرار صلح و همکاری بین المللی باید نهادها و ساختارهایی که انسان در آن از فطرت خود دور افتاده است و بر اساس آن رفتار و عمل نمی کند را اصلاح کرد. هم چنین برای این که بشر و فرد بتواند بر مبنای فطرت خود عمل کند، فرآیندها و نظام های تربیتی و اجتماعی باید اصلاح شود. ه: کشورها نیز ذاتاً خودپرست و جنگ طلب نیستند، بلکه برعکس، همکاری جو و نوع دوست هستند و لذا قابلیت اصلاح رفتارهای ناپهناچار خود را دارند.

۲-۲	نئولیبرالیسم	۱۹۹۰	آمریکا انگلستان	میلتون فریدمن فردریش فون هایک رابرت نازیک	۱- وجود نهادها و رژیم‌های بین‌المللی: یعنی آنها به نهادها و رژیم‌های بین‌المللی به عنوان ابزارهای تنظیم روابط بین‌الملل اعتقاد دارد و می‌پذیرند که نهادها و رژیم‌های بین‌المللی نقش بسزایی در رسیدن به صلح جهانی ایفا می‌کنند. ۲- افزایش سطح همکاری: نئولیبرالها معتقدند که در جهان امروز که کشورها به یکدیگر در تمامی زمین‌ها وابسته‌اند و امنیت، پیشرفت و... در تمامی زمینه‌ها بستگی به همکاری بین دولت‌ها و ملت‌ها دارد. ۳- تاکید بر روی قدرت اقتصادی: نئولیبرالها معتقدند که لزومی به وجود نیروی نظامی نیست و با قدرت اقتصادی قوی میتوانیم به اهداف خودمان برسیم. ۴- دولت‌ها را به عنوان بازیگران اصلی می‌پذیرند. ۵- بر قدرت مطلق و نه نسبی تاکید دارند: در قدرت نسبی کشورها نگرانند که دیگری منافع بیشتری ببرند ولی در قدرت مطلق کشورها با هم همکاری می‌کنند و هیچ نگرانی را ندارند و به طور مطلق معتقدند که نفع می‌برند.
۳	انتقادی	۱۹۹۱	انگلستان	کن بوث ریچارد وین جونز	الف: گرایش‌ها و رفتارهای مختلفی که پیوست و همراه امنیت است، هر یک ریشه در نظریه‌ای سیاسی دارد... از این رو تصور اینکه امنیت چیزی باشد خارج از مفروضات آشکار و ناآشکار صورت‌بندی‌شده‌ای که به نظریه سیاست جهانی (واحد، ساختارها، فرایندها و...) هر فردی شکل می‌دهد، امری تقریباً محال است. ب: به گسترش- توسعه به معنای اضافه کردن مسائل غیرنظامی و نگرش همه-جانبه به دستورالعمل امنیت و نیز تعریف شکل صحیح گفتمان است. ج: رابطه‌ی بین نظریه و عمل از دیدگاه نظریه‌پردازان انتقادی به یکدیگر متصل هستند این اتصال به معنای ایجاد پیوند میان کارشناسان و توده مردم بوده و معتقد است که امنیت از میان جامعه جوشیده می‌شود و ضرورت دارد که هماهنگی لازم میان نظریه‌ی امنیتی و نیازمندی‌های مردم و گروه‌ها وجود داشته باشد. ح: از دید تئوری انتقادی، صلح و امنیت واقعی زمانی در سطح جهان ظهور می‌یابد که تناقضات سرمایه‌داری که به پیدایش بحران‌های اقتصادی و بی‌ثباتی منجر می‌شود، از بین رفته، با انسان‌ها به صورت ابزار برخورد نشود، هدف از تولید صرفاً سود نباشد و نظام بین‌الملل شکل استعماری خود را از دست بدهد.
۴	کپنهاگ	۱۹۸۰	انگلستان سوئد	جان لانگشاو آستین ژاک دریدا کارل اشمیت	الف: این مکتب ضمن رد مفروضات اثبات‌گرایان بر موقعیت‌مندی آگاهی و شناخت تاکید می‌ورزد و بر آن است که اولاً واقعیت ب: رهیافت این مکتب به مقوله‌ی امنیت با نگرش حل و فصل معضل است و به موضوعات امنیتی به مثابه معضلاتی که قابلیت حل و فصل دارند، نگاه می‌شود. ج: امنیت مربوط به بقاست و زمانی که چیزی به تهدیدی وجودی تبدیل شود، به موضوعی امنیتی تغییر یافته است. د: مکتب کپنهاگ در تعریف و تبیین امنیت دست به ابداع و نوآوری نسبت به مکاتب قبل از خود کرد و به نوعی این حوزه را توسعه داد. در مکتب کپنهاگ ابداع و توجه به برخی موضوعات، این مکتب را در جایگاه در خور

تبیین نظری الگوی امنیت ملی کشورها در جغرافیای سیاسی ۱۵

					توجهی قرار داده است. از جمله این موضوعات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
					○ استقلال جایگاه مطالعات امنیتی ○ مفهوم امنیتی سازی ○ مفهوم امنیت موسع در مقابل امنیت مضیق ○ افزودن موضوعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط‌زیستی به حوزه امنیت ○ بازسازی امنیت به عنوان مفهوم امنیت چندسطحی ○ بازسازی ○ فهم دقیق از مرجع امنیت
۵	انگلیسی	۱۹۵۰	انگلستان	سنت نظام بین‌الملل ↓ ماکیاولی و هابز ↓ جامعه بین‌الملل ↓ گروسیوس اوپنهام ↓ انقلاب‌گرایان ↓ کانت	هربرت باترفیلد مارتین وایت هدلی بول
					الف: مکتب انگلیسی در ارتباط با مسئله‌ی امنیت به دو مفهوم کثرت‌گرایان و همبستگی‌گرایان گروه‌بندی می‌شوند.
					ب: در دیدگاه پلورالیسم، تمرکز اصلی بر مسئله‌ی امنیت جامعه‌ی بین‌الملل است. آنها معتقدند که امنیت زمانی محقق خواهد شد که دولت‌ها بر اساس اصل آزادی و استقلال ملل، شکل گیرند و به صورت کاملاً آزاد و بدون هرگونه دخالت تعریف شوند؛ اما در دیدگاه سولیداریسم، تمرکز اصلی بر مسئله‌ی امنیت در جامعه‌ی جهانی استوار شده است و همه‌ی اقوام و ملل را در بر می‌گیرد.
					ج: کثرت‌گرایان با تأکید بر امنیت دولت، بر این باورند که امنیت جامعه‌ی بین‌المللی در صورت امنیت دولت‌ها، حمایت از حاکمیت، احترام به اصل مداخله و در نتیجه برقراری نظم بین‌المللی محقق می‌شود.
					د: همبستگی‌گرایان در مقابل کثرت‌گرایان بر این باورند که امنیت افراد در اولویت قرار دارد. آنها ضمن حمایت از حقوق اساسی شهروندان توسط دولت‌ها، اشاره می‌کند که رویه در حال توسعه مداخله بشردوستانه در دهه ۱۹۹۰ دغدغه‌ی مشروعی راجع به رفاه جامعه نشان می‌دهد.
۶	پاریس	۱۹۹۱	فرانسه شمال اروپا	دیدیه بیگو جف هویمسنس	میشل فوکو ژان بوردیار
					الف: ریشه‌های مکتب پاریس نه به روابط بین‌الملل که به نظریه سیاسی و جامعه‌شناسی مهاجرت و پلیسی‌سازی اروپا بر می‌گردد.
					ب: کنار گذاشتن سوژه‌ی امنیت و بررسی گفتمان امنیت به جای آن، دغدغه-ی اصلی مکتب پاریس به شمار می‌آید.
					ج: مکتب پاریس با تأسی از فوکو به طور فزاینده‌ای بسترهای سیاسی و دانشی امنیت را مورد توجه قرار داده است.
					د: از نظر این کتب، باید مفهوم سیاست امنیت را جدی گرفت، آن هم نه به معنای بحث امنیت در عرصه‌ی سیاسی صرف، بلکه به معنی بازشناسی مبارزاتی که به مفهوم امنیت شکل می‌دهد. این مبارزات می‌تواند در نتیجه‌ی مبارزه و کشمکش میان میدان‌های متخصصین و کنشگران امنیت باشد.
۷	ولز	۱۹۹۱	ولز	کن بوث ریچارد وین جونز	آنتونیو گرامشی
					الف: از نظر این مکتب، امنیت مفهومی اشتقاقی است که جهان‌بینی فلسفی و نظریه‌ی سیاسی هر فردی که در این مقوله اندیشه‌ورزی می‌کند، مشتق می‌شود.
					ب: طرفداران مکتب ولز، به مسئله‌ی امنیت با در نظر گرفتن سایر تهدیدات در کنار تهدیدات نظامی به عنوان تهدیدات غیرمستقیم امنیتی می‌پردازند. این تهدیدات به اندازه‌ی تهدیدات نظامی مهم بوده و در شناخت امنیت قابل توجه

					هستند. ج: به نظر اندیشمندان مکتب ولز، رابطه‌ی بین امت و جامعه رابطه‌ای دوسویه و سایبرنتیک است به این معنی که جامعه و امنیت در فرآیند تعامل و بده-بستان با هم هستند. د: طرفداران مکتب ولز، تحت تأثیر مفهوم «امنیت جامعه» کارل دوپج هستند که با طرح مفهوم جامعه امنیت، ادعا می‌کند که تهدیدات مشترک تنه می‌تواند با ساختار و شیوه‌های مشترک مورد مدیریت قرار گیرد.
۸	مکتب امنیتی جهان سوم	دهه‌ی ۸۰ میلادی	اروپا آسیا	بر مبنای نظریه‌های واقع‌گرایان بودند	جی مارتین ادوارد ای. آزر چونگ این مون الف: مرجع امنیت: حاکمیت (رژیم حاکم) موضوع امنیت: دولت-محور (سیاسی) ب: رویکرد امنیت: خوداتکایی ج: مفهوم امنیت در جهان سوم، با توجه به ویژگی‌های خاص آن با مفهوم امنیت در جهان غرب، تا حدودی متفاوت است. در جهان غرب، امنیت بیشتر خارجی تعریف می‌شود، یعنی مربوط به محیط و بازیگران خارجی است. در حالیکه امنیت در جهان سوم داخلی و متأثر از موضوعات امنیتی داخلی است. د: در جهان غرب، امنیت دارای پیوستگی روابط مثبت با نظام بین‌الملل و ساختار امنیت بین‌الملل بوده، در حالیکه در جهان سوم، امنیت، با نظام بین-المللی و ساختار امنیت بین‌الملل دارای رابطه‌ی منفی می‌باشد و یا حداقل، پیوستگی مثبت و سازنده‌ای میان این دو وجود ندارد.
۹	برساخت‌گرایی (سازهانگاری)	۱۹۸۰	انگلستان آمریکا	کانت ویگنشتاین	الف: سازهانگاران سرچشمه‌ی امنیت و ناامنی را در نحوه‌ی تفکر بازیگران دریاباری پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند هر اندازه ادراکات و منطق بازیگران دریاباری پدیده‌ها و موضوعات نامتجانس‌تر و متناقض‌تر باشد، بی‌اعتمادی میان آنان افزایش می‌یابد و دولت‌ها بیشتر به سوی خودیاری و خودمحوری حرکت می‌کنند. ب: سازهانگاران مفهوم امنیت را صرفاً به مسائل نظامی محدود نمی‌سازند. ج: سازهانگاران حفظ و تحصیل امنیت را از طریق موازنه‌ی قوا و بازدارندگی نامناسب می‌دانند و بر هویت‌ها، رویه‌ها و قواعد همکاری‌جویانه تأکید می‌ورزند. د: در حوزه‌ی امنیت، سازهانگاری مفهوم تهدید عینی را باطل می‌شمارد (نظری که واقع‌گرایان بر آن تأکید دارند)
۱۰	فراساختارگرایان (پست-مدرنیست‌ها)	دهه ۱۹۹۰	انگلستان پاریس آمریکا	نیچه ویگنشتاین هایدگر لاکان دریدا فوکو روڈلف پانونیس فردیناند دوسوسور	الف: نوشته‌های پس‌اساختارگرایان در زمینه‌ی امنیت عمدتاً بر انتقاد از واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی قرار داشته و در نقد دیدگاه رئالیستی در خصوص تفکیک میان حوزه‌ی ملی و بین‌المللی قرار دارد. ب: پست‌مدرنیست‌ها معتقدند به جای آنکه امنیت نمود مستقیم تهدیدات عینی شناخته شود، بایستی یک عمل گفتمانی تلقی شود در عین اینکه یک عمل سیاسی نیز تلقی می‌گردد. ج: امنیت انسانی در اندیشه‌های فراساختارگرایی و فرامدرنیستی از موضوعات محوری تلقی می‌گردد.

تبیین نظری الگوی امنیت ملی کشورها در جغرافیای سیاسی ۱۷

					د: نظریه پردازان فراساختارگرایی در مطالعات امنیتی خود موضوعاتی نظیر امنیت-زدایی، صدا دادن به حاشیه‌ها، ارتباط هویت و امنیت و امنیت مجازی را مورد توجه قرار می‌دهند.
۱۱	فمینیسم	۱۸۵۱	انگلستان آمریکا	تیکتر جودیس شاپیرو چین بتک‌ال‌شایتن سارا رودیک	کریستین سیلوستر اسپایک پترسون
۱۲	نمادنگاری ملی	۱۹۵۰	آمریکا	ریچارد هارتشون آلبرت دمانگن	جان گاتمن
۱۳	مکتب امنیتی اسلام	۱۳۷۰	ایران	قرآن کریم احادیث نبوی و ائمه معصومین مبانی فقهی اسلامی	اصغر افتخاری سیدجلال دهقانی فیروزآبادی سیامک ره پیک داود غرایاق زند
۱۴	کارکردگرایی	۱۹۳۵	آمریکا	السورث هانتینگتون هارلن باروز ویلینگتون جونز	ریچارد هارتسون

تلاش می‌کنند در درجه‌ی اول وفاداری ملی را نهادینه نمایند. عملکرد دولت‌ها در مواجهه با این مسئله متأثر از پراکندگی‌های داخلی و ایدئولوژی سیاسی حاکم است.						
ج: جغرافیدانان هر کشور با نگاه امنیت‌محور، در سه محور (پراکندگی انسانی - وابستگی به دولت‌های خارجی - علایق سیاسی و اقتصادی و جمعیتی متفاوت) به مطالعه می‌پردازند و در تلاش جهت ایجاد یکپارچگی ملی می‌باشند.						
الف: این مکتب معتقد است که همه افراد و سازه‌های انسانی بر پایه حق طبیعی که به عنوان مشیت الهی در ذات نظام تکوین و خلقت جهان وجود دارد و نیز قراردادهای اجتماعی ملی و بین‌المللی رسمی، باید از منابع و مزایای موجود در فضای جغرافیایی زیستگاه مربوطه و یا مشترک جهانی بهره‌مند شوند.						
ب: ژئوپلیتیک انسانگرا اصالت را به صلح و همزیستی ملتها و سازه‌های انسانی با یکدیگر و نیز با طبیعت و موجودات آن به عنوان زیستگاه جغرافیایی آنها می‌دهد. تجویز کننده روابط مسالمت‌آمیز و همزیستی و تعاون بین کشورها، ملت‌ها، حکومت‌ها، سازه‌های انسانی ساکن در فضاهای جغرافیایی است و بر حفظ تعادل دینامیکی اکوسیستمهای جغرافیایی خرد و کلان برای زندگی مطلوب و بهینه انسانها تاکید می‌نماید.	محمدرضا حافظ‌نیا	آراء و نظریه‌های ژئوپلیتیکی	ایران	۱۳۸۶	ژئوپلیتیک انسان‌گرا	۱۵
ج: ژئوپلیتیک انسانگرا از جنگ، خشونت و بحران‌سازی که تولید درد و رنج برای انسانها و نیز تخریب سرمایه‌ها و حیات انسان‌ها و نیز تخریب زیستگاه سازه‌های انسانی را به همراه دارد حمایت نمی‌کند و جنگ را ذاتا شر می‌داند. بلکه به دنبال توصیه راه حل‌های جنگ‌زدایی، بحران‌زدایی و بطور کلی رنج‌زدایی از زندگی انسانها است.						
د: ژئوپلیتیک انسانگرا از سیاست نظامی‌گری در روابط بین‌کشورها و ملتها حمایت نمی‌کند، و قابل به فلسفه بازدارندگی و تامین امنیت ملی توسط نیروهای نظامی است.						

(Source: Khani,2002:59-229; Hafeznia,2017:1-9; Bayat,2018:85-249; Vander Hoof et al, 2007:11-35; Diskaya,2013:59; Booth,2007:88; Mutimer,2016:45-69; Wyn Jones,1999: 68Y; Whitworth,2008:249; Smith,2005:28; Nye,1998:14-15; Buzan,1991 965; Johnson,2008:92; Nahapiet et al,1998:242-260)

۴-۶. امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی

امنیت ملی، توانایی دولت‌ها برای حفظ هویت مستقل و تمامیت‌کاربردی (جمعیت، سرزمین و دارایی) آنهاست. جغرافیای سیاسی نیز یکی از شاخه‌های جغرافیای انسانی است که در عرصه‌ی امنیت‌پژوهی، بیشتر بر وجه مصداقی آن تأکید دارد.

با وجود فرآیند جهانی شدن اقتصاد و پیدایش کنشگران نوین، به نظر می‌رسد که بعد جغرافیایی دولت (به عنوان رکن اساسی جغرافیای سیاسی)، همچنان در تعاملات جهانی مهم است. رویداد یازدهم سپتامبر و خسارات سنگینی که بر پیکیره‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت ایالات متحده وارد کرد بیانگر تداوم اهمیت فضای سرزمینی است یا این توضیح که جهانی شدن تنها

به انحصار نقش عامل سرزمینی در تعریف و تبیین فضای اجتماعی و اقتصادی پایان داده است و گرنه تأثیرات سرزمین همچنان باقی است (Kavianirad, 2007: 690).

امروزه با توجه به گسترش مفهوم امنیت، دیگر دولت‌ها تنها مسئول تأمین امنیت آن نیستند و ناچارند بخشی از اقتدار خود را به نهادهای بین‌المللی و جهانی واگذار نمایند. از نظر جغرافیای سیاسی، آن دولت‌هایی فرو می‌پاشند که امنیت سرزمینی خود را از دست می‌دهند که نتوانند متناسب با تحولات شتاب‌دار جهانی و شناوری هویت‌ها، نمادنگاری‌های ملی را بازتعریف کنند (Kavianirad, 2007: 690).

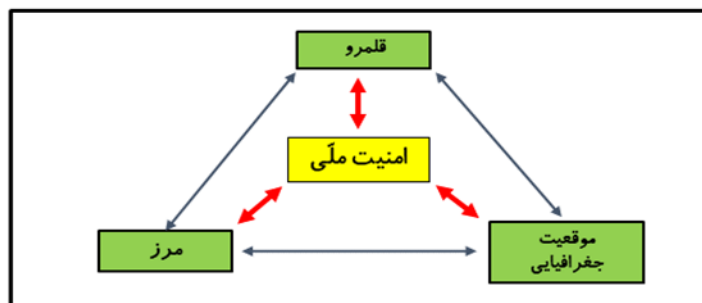
۵. یافته‌های تحقیق

رویکرد جغرافیای سیاسی به امنیت ملی متناظر بر چهار بعد است: ۱. مکانی - فضایی (سرزمینی) ۲. حکومتی ۳. تاریخی ۴. مردمی

هر یک از این ابعاد در رویکرد جغرافیای سیاسی نسبت به امنیت ملی مشخصه‌های متعددی دارند که فرآیند امنیت ملی در هر یک از این مشخصه‌ها تجلی پیدا کرده و یا از طریق آن‌ها در کشورها جاری می‌شود.

بعد مکانی - فضایی: امنیت ملی از منظر این بعد از رویکرد جغرافیای سیاسی به آن غالباً در سه مشخصه؛ الف. قلمرو (خواهی - گستری)، (ادعایی) ب. مرز (تحدید) ج. موقعیت جغرافیایی (همجواری) تجلی پیدا می‌کند.

سه مشخصه مذکور دارای تعامل متقابل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری [بر- از] امنیت ملی هستند. قلمرو و مرز و موقعیت جغرافیایی هر سه نقش مقابل هم در جهت تکمیل یک وضعیت نسبی از امنیت را دارند به این دلیل که منشأ وضعیت امنیتی در این بعد ناظر بر شرایط قلمرو (گستری-خواهی) [ادعایی]، اختلافات و مسائل مرز و تحدید آن و نهایتاً موقعیت جغرافیایی با توضیح درجه‌ی کیفی شرایط همسایگان و تهدیدات با منشأ بیرونی، کانون‌های بحران‌خیز و جهات جغرافیایی خطرات است. ناگفته نماند که وجه نسبی موقعیت جغرافیایی در این الگوی سه‌گانه تعاملی مد نظر است. شکل (۱) مدل مفهومی این ارتباط را نشان می‌دهد.

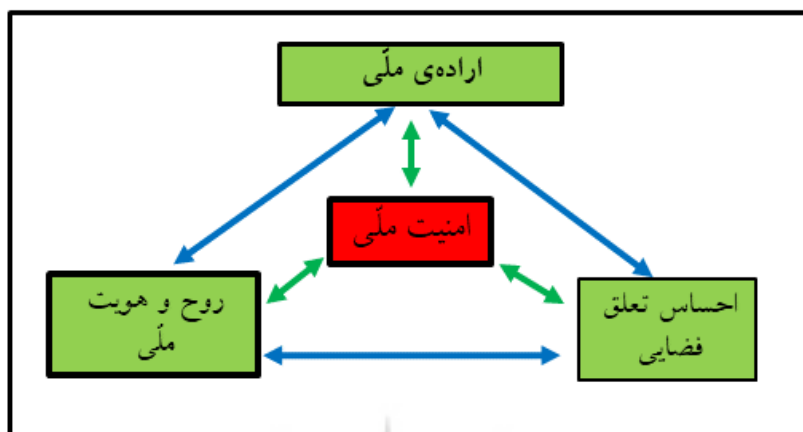


شکل (۱): مدل مفهومی رابطه‌ی امنیت ملی و مشخصه‌های سرزمین

بعد مردمی: رابطه مشخصه‌های این بعد از رویکرد جغرافیای سیاسی به امنیت ملی در قالب ارتباط متقابل سه گانه احساس تعلق فضایی، روح و هویت ملی و اراده‌ی ملی با امنیت ملی به توضیح زیر است؛

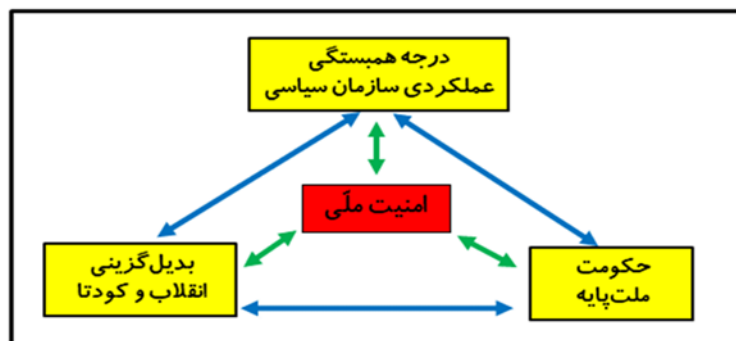
روح و هویت ملی به مثابه رکن فلسفی وجود یک ملت نیاز مداوم به حفظ و حراست از خود دارد که نیاز به امنیت را به یک امر ملی تلقی می‌نماید. انسان‌ها و یا افراد ملت یک کشور به واسطه بودن در یک فضای جغرافیایی مشخص در طول تاریخ هویت و روح ملی شده خود را کسب نموده و با این روند هویت جمعی آن‌ها در بستر فضا در مقیاس ملی معنادار (ملی) می‌شود. از سویی دیگر جمع افقی اراده‌های مردم یک جامعه با هویت مشخص به اراده‌ی ملی تعبیر می‌شود تا با این اراده‌ی ملی، هویت ملی تقویت و هم‌افزایی در جهات تأمین امنیت ملی صورت گیرد. تجزیه اراده جمعی یک ملت با اراده واحد و بخش‌پذیری آن بر هر نوع از ارزش، ایدئولوژی، سنت و یا اهداف و آمال متعدد باعث گسست و چند پارگی روابط درونی و بیرونی ملت می‌شود. احساس تعلق یک ملت به کشوری که هویت و هستی خود را از آن می‌گیرند از یک طرف و حس مالکیت و وابستگی و عرق به همه سلول‌های مکانی کشور از طرف دیگر زایش امنیت ملی را به صورت پدیده‌ای دیالکتیکی در پی خواهد داشت. همان‌طور که آشکار است امنیت ملی نیز به نوبه‌ی خود بر این سه مشخصه‌ی بعد مردمی تأثیر متقابل دارد. شکل (۲)

مدل مفهومی این ارتباط را نشان می‌دهد.



شکل (۲): مدل مفهومی رابطه‌ی بین امنیت، هویت و اراده‌ی ملی

امنیت ملی از منظر بعد حکومتی در رویکرد جغرافیای سیاسی با سه مشخصه‌ی ملت‌پایگی حکومت، هم‌بستگی عملکرد سازمان‌های سیاسی و سبک‌گزینش حکومت درهم آمیخته شده است. بدین معنی که دستگاه حکومتی اصلی‌ترین متولی و سیاست‌گذار حوزه‌ی امنیت ملی با چند سبک‌گزینشی از سوی نیروهای سیاسی- نظامی و مردم مواجه است. این سبک‌ها عبارتند از: الف. بدیل‌گزینی مسالمت‌آمیز ب. انقلاب ج. کودتا. هر یک از این سبک‌های گزینشی حکومت، امنیت ملی را تحت تأثیر قرار داده و به نوبه‌ی خود از آن تأثیر می‌پذیرند. از طرف دیگر حکومت‌ها به هر میزان که ملت‌پایه‌تر باشند، رعایت، تأمین و دستیابی به امنیت ملی به مفهوم جامع و تام آن امکان‌پذیرتر است. البته باید افزود که امنیت ملی نیز به همین ترتیب بر مسئله‌ی ملت‌پایه بودن حکومت نیز اثرگذار است. بنابراین از نظر عملکردی نیز هر چه بین عناصر و اجزاء سازمان مدیریت سیاسی فضای ملی درجه‌ی همبستگی بیشتر باشد و وضعیت روابط آنها پیشرونده باشد موجبات تقویت امنیت ملی را فراهم می‌کند این ارتباط البته متقابل است. شکل (۳) مبین ارتباط بین سه مشخصه‌ی بعد حکومتی و امنیت ملی است.



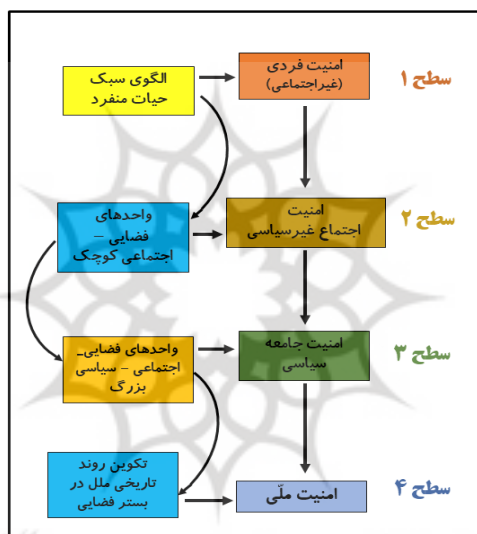
شکل (۳): مدل مفهومی رابطه‌ی بین مشخصه‌های بعد حکومتی در

رویکرد جغرافیای سیاسی و امنیت ملی

امنیت ملی از بعد تاریخی: جوامع انسانی در طول تاریخ همواره چهار سطح از انواع امنیت را تجربه کرده‌اند. ابتدا انسان برای ادامه زندگی در بستر فضای جغرافیایی به تنهایی نیاز به حفظ و حراست از خود را در برابر حیرت ناشی از وقایع و رویدادهای جاری غالباً با منشأ طبیعی و حیوانی داشت. در این سطح سازمان واسطه و یا هر ساختار میانجی‌گر دیگری در زندگی فضامند انسان وجود نداشت و ارتباط انسان - فضا در قالب الگوی سبک حیات منفرد (بدون واسطه یا مستقیم) جریان داشت. به تبع این الگوی زندگی، امنیت فردی غیراجتماعی مهم‌ترین نیاز امنیتی برای کسب احساس آسودگی خاطر از خطرات بود.

دومین سطح از تجربه نوع امنیت هنگامی شکل گرفت که انسان، اجتماعی شد و خود را در واحدهای فضایی کوچک با روابط منسجم اجتماعی دید. بنابراین هر واحد فضایی کوچک نیاز به تأمین و وجود امنیت از سوی خود را داشت. از این‌رو امنیت اجتماع غیرسیاسی پدید آمد که صرفاً منوط به حفاظت از هر یک از واحدهای فضایی-اجتماعی بود. در سومین سطح هر یک از واحدهای فضایی-اجتماعی گسترده‌تر شده و به علت نیاز به مدیریت فعالیت‌ها و مسئولیت‌های جمعی به ایجاد ساختارهای سیاسی دست زدند. با این فرآیند هر یک از واحدها از جنبه فضایی-اجتماعی صرف خارج شده و به حالت واحدهای فضایی-اجتماعی-سیاسی تکامل پیدا کردند. در این شرایط نیاز انسان به امنیت در قالب سازمان سیاسی فضا که جامعه آن نیز سیاسی شده، پدیدار گشت.

در چهارمین سطح که ملل در بسترهای فضایی اکولوژیک به تکوین تاریخی خود نزدیک شده و بر اساس خاستگاه و ریشه تاریخی مشترک هر یک به عنوان یک ملت ظاهر گشتند. بنابراین یک ملت در یک فضای جغرافیایی که آن را متعلق به خود می‌دانست و دارای یک نوع از الگوی نظام سیاسی نیز بود، احساس نیاز به امنیت ملی را داشت. از این نظر امنیت ملی هر ملت در طول تاریخ با وجود امپراطوری‌ها، پادشاهی‌ها، حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، دولت مدرن و ... سابقه دیرینه‌ای دارد.



شکل (۴): مدل روند تاریخی امنیت

با بیان رابطه‌ی بین مشخصه‌های عمده‌ی ابعاد رویکرد جغرافیای سیاسی با امنیت ملی لزوم توجه به ضرورت‌های کارکردی آن روشن می‌شود. اولویت درک ضرورت‌های کارکردی امنیت ملی مبتنی بر شکل (۵) نشان از این موضوع دارد که بعد از توجه به مشخصه‌ها و ابعاد رویکرد جغرافیای سیاسی به امنیت ملی باید الزامات کارکردی آن را که شامل ۱. قوام‌بخشی جامع کشور ۲. ساماندهی متناسب فضا، جریان و کنش در سطح ملی ۳. رعایت اصل جغرافیایی حق زیست مشترک ۴. تکرپذیری منعطفانه و ۵. افزایش شدت برازندگی وفاق ملی به منظور تداوم زیست، برقراری سیستماتیک کارکردها و پویایی ساختارهای سازمان سیاسی فضای ملی مورد توجه قرار دارد.

i) که بر اساس شاخص های برازش شده تهیه شده اند، برازش خوبی با داده های تهیه شده دارد. که این شاخص ها عبارتند از: GFI (نیکویی برازش)، CFI (برازش تطبیقی)، NNFI (برازش هنجار نشده)، NFI (برازش هنجار شده)، IFI (برازش افزایش) که میزان بیش تر از ۰/۹. نشانگر برازش خوب الگو می باشند، AGFI (نیکویی برازش تعدیل یافته) که میزان بیش تر از ۰/۹. قابل قبول می باشند و RFI (نیکویی برازش اصلاح شده) بیشتر از ۰/۹ قابل قبول، PNFI (برازش تعدیل یافته هنجار شده) هم بیشتر از ۰/۹ قابل قبول و RMSEA، میانگین مجذور خطاهای مدل می باشد. این مقدار خطا اگر بین ۰-۰/۰۵ باشد ایده آل و اگر بین ۰/۰۵-۰/۱ باشد خطای قابل قبول و اگر بالاتر از ۰/۱ باشد نشان دهنده خطا بالا است و برازش ضعیف می باشد (جدول ۱). مطابق جدول (۲)؛ ریشه میانگین مربعات خطا برابر با (۰/۰۸۶) است که میزان آن کمتر از ۱ می باشد بنابراین با توجه به مقدار به دست آمده در پژوهش مدل از برازش قابل قبولی برخوردار می باشد. شاخص نیکویی برازش مطلوب (۰/۹۲) می باشد پس مدل از برازش قابل قبولی برخوردار می باشد شاخص برازش هنجار شده ۱ می باشد که میزان آن حدود (۰ تا ۱) می باشد و به خاطر اینکه اندازه قابل قبولش برای برازش مطلوب مدل (برابر یا بیشتر از ۰/۹) می باشد پس مدل از برازش قابل قبولی برخوردار می باشد، برازش هنجار نشده هم (۱/۴۵) می باشد که میزان آن بین (۰ و بزرگتر از ۱) می باشد. بخاطر اینکه میزان قابل قبول آن برای برازش مطلوب مدل (برابر یا بزرگتر از ۰/۹) می باشد پس از برازش قابل قبولی برخوردار می باشد. برازش افزایشی مساویست با ۱/۴۲، که میزان آن بین (۰ و بزرگتر از ۱) می باشد و بخاطر اینکه میزان آن برابر برازش مطلوب مدل (برابر یا بزرگتر از ۰/۹) می باشد پس مدل از برازش قابل قبولی برخوردار می باشد شاخص تطبیقی مساوی است با ۱ که میزان آن بین (۰ و بیشتر از ۱) می باشد و به خاطر اینکه میزان قابل قبول آن برای برازش مطلوب مدل (برابر یا بیشتر از ۰/۹) می باشد پس مدل از برازش قابل قبولی برخوردار می باشد. سطح معنا داری داده ها ۰/۰۸۶ می باشد.

جدول (۲): میزان شاخص های نیکویی برازش به دست آمده از مدل تحلیل ساختاری

شاخص	نتایج	برازش قابل قبول
GFI (شاخص نیکویی برازش)	۰/۹۲	(مساوی یا بیشتر از ۰/۹)
NNFI (شاخص برازش هنجار نشده)	۱/۴۵	(مساوی یا بیشتر از ۰/۹)

CFI (شاخص برازش تطبیقی)	۱	(مساوی یا بیشتر از ۰/۹)
IFI (شاخص برازش افزایش)	۱/۴۲	(مساوی یا بیشتر از ۰/۹)
RFI (شاخص نیکویی برازش اصلاح شده)	۱	(مساوی یا بیشتر از ۰/۹)
NFI (شاخص برازش هنجار شده)	۱	(مساوی یا بیشتر از ۰/۹)
PNFI (شاخص برازش تعدیل یافته هنجار شده)	۰/۹۶	(مساوی یا بیشتر از ۰/۹)
RMSEA (خطای برآورد شده)	۰/۰۸۷	(مساوی یا کمتر از ۰/۱)

در شکل (۶) که بارهای عاملی استاندارد شده را نشان می‌دهد، هر چقدر بار عاملی بیشتر و به عدد ۱ نزدیک‌تر باشند دارای حداکثر تاثیرگذاری در میان عوامل را دارد. بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد رابطه‌ی ضعیف و در بین عوامل کمترین تاثیرگذاری را شامل می‌باشد، و اگر بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ باشد قابل قبول می‌باشد. نتایج به دست آمده از شاخص‌های امنیت ملی نشان می‌دهد که؛ در شاخص سیاسی (a) از ۱۳ زیرشاخص موردنظر ۳ زیرشاخص دارای امتیاز بالای ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از؛ a4 سابقه‌ی تاریخی مشترک ملت (۰/۷۳)، a12 عضویت و نفوذ در اتحادیه‌های سیاسی اقتصادی (۰/۶۱)، a13 قرار گرفتن در کانون توجهات ژئوپلیتیکی قدرت‌ها (۰/۶۶) و ۸ شاخص دارای امتیاز متوسط بین ۰/۳ تا ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: a2 وفاداری مردم و احزاب سیاسی به حکومت (۰/۳۷)، a3 آرمان سیاسی ناسیونالیستی (۰/۳۸)، a6 انسجام ملی و تجانس سیاسی و قومی ملت (۰/۵۰)، a7 اختلافات مرزی و سرزمینی (۰/۵۲)، a8 اختلافات و شکاف‌های قومی مذهبی ملت (۰/۳۷)، a9 شکاف ساختاری میان بخش سیاسی و دفاعی (۰/۴۹)، a10 حضور نیروهای خارجی و عوامل بیگانه در کشور مقابل (۰/۴۸)، a11 حضور و نفوذ قدرت‌های بیگانه بر کشور مقابل (۰/۴۶) می‌باشند و ۲ زیرشاخص دارای امتیاز کمتر از ۰/۳ می‌باشند که عبارتند از، a1 کارآمدی ساختار سیاسی حکومت (۰/۰۸)، a5 هویت ملی و احساس آن (۰/۲۴).

در شاخص اقتصادی (b) از ۵ شاخص موردنظر ۳ زیرشاخص دارای امتیازات بالای ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از؛ b1 منابع زیرزمینی (۰/۷۳)، b4 شبکه‌های مواصلاتی و خطوط انتقال کالا و انرژی (۰/۶۰)، b5 وابستگی اقتصادی عمده به منابع خارجی (۰/۷۰)، و یک زیرشاخص دارای امتیاز بین ۰/۳ تا ۰/۶ می‌باشد که عبارتند از، b2 منابع اقتصادی پایدار (۰/۳۲) می‌باشد و

یک زیرشاخص دارای امتیاز کمتر از ۰/۳ می‌باشد که عبارتند از: b3 فناوری اطلاعات و قابلیت‌های مربوط اقتصاد دیجیتال (۰/۱۵) می‌باشد.

در شاخص سایبری (c) از ۶ زیرشاخص موردنظر ۴ زیرشاخص دارای امتیاز بالای ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: c2 اختلال در شبکه‌های اطلاعاتی (۰/۶۲)، c4 تروریسم سایبری (۰/۹۵)، c5 جاسوسی سایبری (۰/۶۲)، c6 آشفتگی سایبری (۰/۸۲) و ۱ زیرشاخص دارای امتیاز بین ۰/۳ تا ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: c3 دستکاری زیرساخت‌ها و سامانه‌های مهم اداری امنیتی (۰/۴۶) و یک زیرشاخص دارای امتیاز کمتر از ۰/۳ می‌باشد که عبارتند از: c1 انجام حملات پیچیده‌ی سایبری (۰/۲۸) می‌باشند.

در شاخص زیستی (d) از ۵ زیرشاخص مورد نظر ۳ زیرشاخص دارای امتیاز بالای ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: d1 حفاظت از پهنه‌های آبی (۰/۶۲)، d2 تعادل اکولوژیکی (۰/۷۰)، d5 تاب آوری زیست محیطی (۰/۶۴) و ۲ زیرشاخص دارای امتیاز متوسط بین ۰/۳ تا ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: d3 سازگاری نظام تولید (۰/۵۶) و d4 دستیابی به منابع محدود (۰/۳۸) می‌باشند.

در شاخص کالبدی (e) از ۷ زیرشاخص مورد نظر ۲ زیرشاخص دارای امتیاز بالای ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: e3 برخورداری از موقعیت دریایی و ساحلی (۰/۷۸) و e7 شبکه‌های آبریز مرزی (۰/۷۷) و ۴ شاخص دارای امتیاز متوسط بین ۰/۳ تا ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: e1 موقعیت راهبردی (۰/۵۵)، e2 موقعیت ارتباطی (۰/۵۵)، e4 وسعت و عمق راهبرد (۰/۴۳)، e5 شکل کشور (۰/۴۸) و یک زیرشاخص نیز دارای امتیاز کمتر از ۰/۳ می‌باشد که عبارتند از: e6 توپوگرافی کشور (۰/۲۰) می‌باشند.

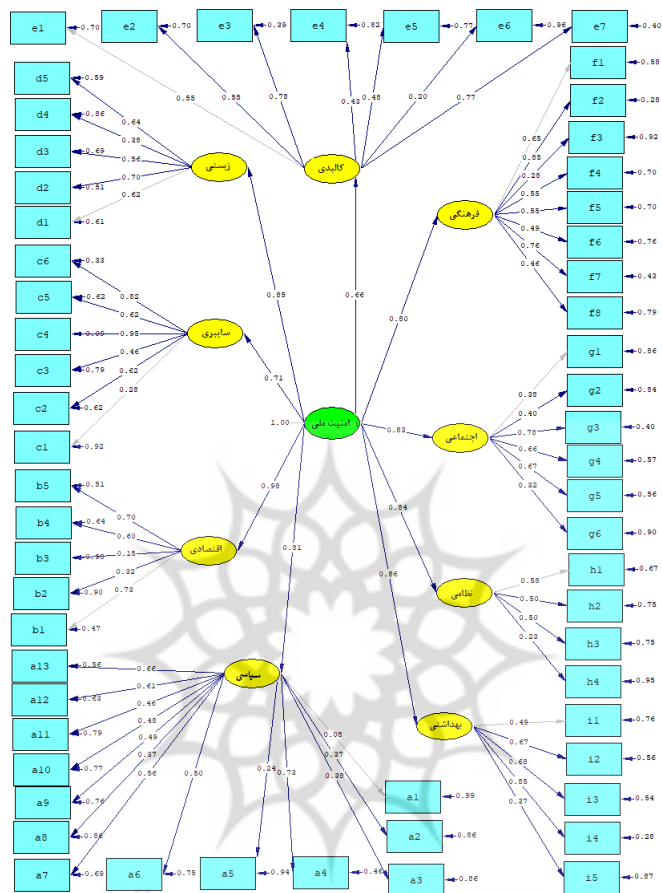
در شاخص فرهنگی (f) از ۸ زیرشاخص موردنظر ۳ زیرشاخص دارای امتیازات بالای ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: f1 ثبات و پایداری ارزش‌های فرهنگی هویت ملی (۰/۶۵)، f2 توجه به زبان ملی کشور (۰/۸۵)، f7 میزان مهاجرت سرمایه‌های فرهنگی (۰/۷۶) و ۴ زیرشاخص دارای امتیاز ۰/۳ تا ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: f4 توجه به شکل‌گیری بازارهای جدید فرهنگی بر اساس تحولات فن‌آورانه (۰/۵۵)، f5 میزان دسترسی افراد ملت به خدمات و کالاهای فرهنگی

(۰/۵۵)، f6 میزان تعادل توسعه فرهنگی (۰/۴۹)، f8 میزان تبادلات فرهنگی در سطح بین‌المللی (۰/۴۹) می‌باشد.

در شاخص اجتماعی (j) از ۶ زیرشاخص مورد نظر ۳ زیرشاخص دارای امتیاز بالای ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: j3 دین، مذهب و انگیزه‌های عقیدتی (۰/۷۸)، j4 گروه‌های قومی، مذهبی و نژادی متجانس با بیگانه (۰/۶۶)، j5 گروه‌های قومی، مذهبی و نژادی متجانس با خودی (۰/۶۷) و ۳ زیرشاخص دارای امتیاز بین ۰/۳ تا ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: j1 کمیت جمعیت (۰/۳۸)، j2 مراکز راهبردی (۰/۴۰)، j6 ظرفیت‌های علمی و فن‌آوری (۰/۳۲) می‌باشند.

در شاخص نظامی (h) از ۴ زیرشاخص مورد نظر ۳ زیرشاخص دارای امتیاز بین ۰/۳ تا ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: h1 کمیت و کیفیت منابع انسانی در نیروهای مسلح (۰/۵۸)، h2 کمیت و کیفیت تسلیحات تجهیزات نظامی (۰/۵۰)، h3 برخورداری از فن‌آوری پیشرفته دفاعی و صنایع دفاعی داخلی (۰/۵۰) و ۱ زیرشاخص دارای امتیاز کمتر از ۰/۳ می‌باشند که عبارتند از h4 معاهدات دفاعی - امنیتی با قدرت‌های بزرگ (۰/۲۲) می‌باشند.

در شاخص بهداشتی (i) از ۵ زیرشاخص مورد نظر ۳ زیرشاخص دارای امتیاز بالای ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از: i2 آلودگی آب و مواد غذایی (۰/۶۷)، i3 ایجاد اپیدمی ناشی از یک بیماری (۰/۶۸)، i4 ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی (۰/۸۵) و ۲ زیرشاخص دارای امتیاز متوسط بین ۰/۳ تا ۰/۶ می‌باشند که عبارتند از i1 بیوتروریسم (۰/۴۹) و i5 ناتوان‌سازی و عقیم‌سازی شهروندان کشور (۰/۳۷) می‌باشند.



شکل (۶): نمودار خروجی استاندارد شده مدل سازی معادلات ساختاری

جدول (۳): اثرات مستقیم زیرشاخص‌ها

شاخص	زیر شاخص	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم
سیاسی (۰/۸۱)	کارآمدی ساختار سیاسی حکومت	۰/۵۸	۰/۴۶
	وفاداری مردم و احزاب سیاسی به حکومت	۰/۳۷	۰/۲۹
	آرمان سیاسی ناسیونالیستی	۰/۳۸	۰/۳۰
	سابقه‌ی تاریخی مشترک ملت	۰/۷۳	۰/۵۹
	هویت ملی و احساس آن	۰/۲۴	۰/۱۹
	انسجام ملی و تجانس سیاسی و قومی ملت	۰/۵۰	۰/۴۰
	اختلافات مرزی و سرزمینی	۰/۵۶	۰/۴۵
	اختلافات و شکاف‌های قومی_ مذهبی ملت	۰/۳۷	۰/۲۹

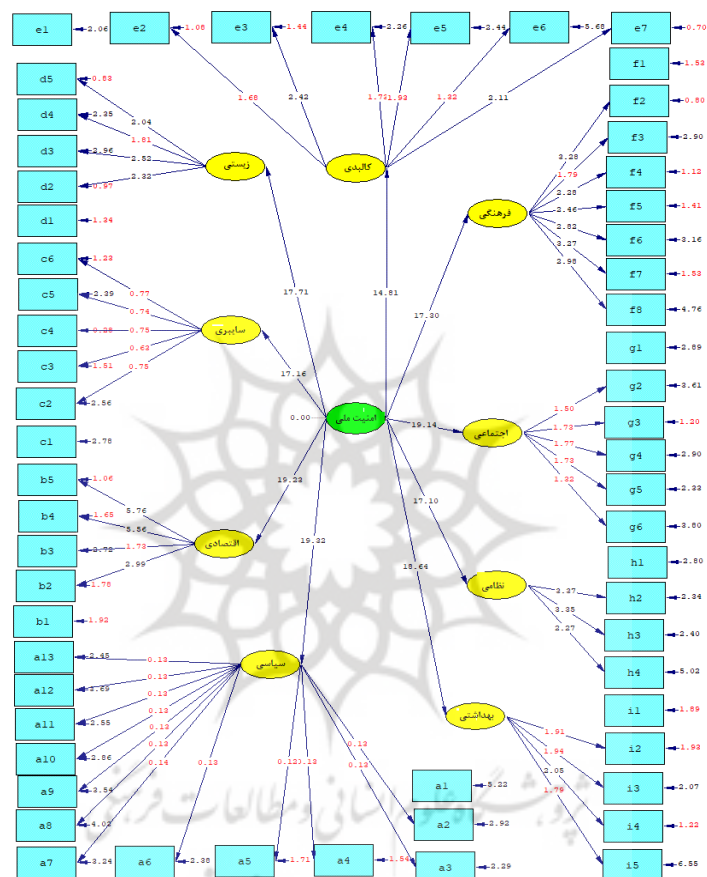
۰/۳۱	۰/۴۹	شکاف ساختاری میان بخش سیاسی و دفاعی	
۰/۳۸	۰/۴۸	حضور نیروهای خارجی و عوامل بیگانه در کشور مقابل	
۰/۳۷	۰/۴۶	حضور و نفوذ قدرت‌های بیگانه بر کشور مقابل	
۰/۴۹	۰/۶۱	عضویت و نفوذ در اتحادیه های سیاسی- اقتصادی	
۰/۵۳	۰/۶۶	قرار گرفتن در کانون توجهات ژئوپلیتیکی قدرت‌ها	
۰/۷۱	۰/۷۳	منابع زیر زمینی	اقتصادی (۰/۹۸)
۰/۳۱	۰/۳۲	منابع اقتصادی پایدار	
۰/۱۴	۰/۱۵	فناوری اطلاعات و قابلیت‌های مربوط اقتصاد دیجیتال	
۰/۵۸	۰/۶۰	شبکه‌های مواصلاتی و خطوط انتقال کالا و انرژی	
۰/۶۸	۰/۷۰	وابستگی اقتصادی عمده به منابع خارجی	
۰/۱۹	۰/۲۸	انجام حملات پیچیده‌ی سایبری	سایبری (۰/۷۱)
۰/۴۴	۰/۶۲	اختلال در شبکه‌های اطلاعاتی	
۰/۳۲	۰/۴۶	دستکاری زیرساخت‌ها و سامانه‌های مهم اداری- امنیتی	
۰/۶۷	۰/۹۵	تروریسم سایبری	
۰/۴۴	۰/۶۲	جاسوسی سایبری	
۰/۵۸	۰/۸۲	آشفته‌گی سایبری	زیستی (۰/۸۵)
۰/۵۲	۰/۶۲	حفاظت از پهنه‌های آبی	
۰/۵۹	۰/۷۰	تعادل اکولوژیکی	
۰/۴۷	۰/۵۶	سازگاری نظام تولید	
۰/۳۲	۰/۳۸	دستیابی به منابع محدود	
۰/۵۴	۰/۶۴	تاب آوری زیست محیطی	کالبدی (۰/۸۶)
۰/۴۷	۰/۵۵	موقعیت راهبردی	
۰/۴۷	۰/۵۵	موقعیت ارتباطی	
۰/۶۷	۰/۷۸	برخوردار از موقعیت دریایی و ساحلی	
۰/۳۶	۰/۴۳	وسعت و عمق راهبرد	
۰/۴۱	۰/۴۸	شکل کشور	فرهنگی (۰/۸۰)
۰/۱۷	۰/۲۰	توپوگرافی کشور	
۰/۶۶	۰/۷۷	شبکه‌های آبریز مرزی	
۰/۵۲	۰/۶۵	ثبات و پایداری ارزش‌های فرهنگی هویت ملی	
۰/۶۸	۰/۸۵	توجه به زبان ملی کشور	
۰/۲۲	۰/۲۸	میزان تقاضا و سهم آثار، خدمات و کالاهای فرهنگی کشور	
۰/۴۴	۰/۵۵	توجه به شکل‌گیری بازارهای جدید فرهنگی بر اساس تحولات فن‌آورانه	
۰/۴۴	۰/۵۵	میزان دسترسی افراد ملت به خدمات و کالاهای فرهنگی	
۰/۳۹	۰/۴۹	میزان تعادل توسعه فرهنگی	
۰/۶۰	۰/۷۶	میزان مهاجرت سرمایه‌های فرهنگی	

تبیین نظری الگوی امنیت ملی کشورها در جغرافیای سیاسی ۳۱

۰/۲۷	۰/۴۶	میزان تبادلات فرهنگی در سطح بین‌المللی	اجتماعی (۰/۸۲)
۰/۴۷	۰/۵۸	کمیت جمعیت	
۰/۴۱	۰/۵۰	مراکز راهبردی	
۰/۶۳	۰/۷۸	دین، مذهب و انگیزه‌های عقیدتی	
۰/۵۳	۰/۶۶	گروه‌های قومی، مذهبی و نژادی متجانس با بیگانه	
۰/۵۴	۰/۶۷	گروه‌های قومی، مذهبی و نژادی متجانس با خودی	
۰/۲۶	۰/۳۲	ظرفیت‌های علمی و فن‌آوری	نظامی (۰/۸۲)
۰/۴۷	۰/۵۸	کمیت و کیفیت منابع انسانی در نیروهای مسلح	
۰/۴۱	۰/۵۰	کمیت و کیفیت تسلیحات تجهیزات نظامی	
۰/۴۱	۰/۵۰	برخوردار از فن‌آوری پیشرفته دفاعی و صنایع دفاعی داخلی	
۰/۱۸	۰/۲۲	معاهدات دفاعی - امنیتی با قدرت‌های بزرگ	بهداشتی (۰/۸۶)
۰/۴۲	۰/۴۹	بیوتروریسم	
۰/۵۷	۰/۶۷	آلودگی آب و مواد غذایی	
۰/۵۸	۰/۶۸	ایجاد اپیدمی ناشی از یک بیماری	
۰/۷۳	۰/۸۵	ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی	
۰/۳۱	۰/۳۷	ناتوان‌سازی و عقیم‌سازی شهروندان کشور	

شکل (۷) همبستگی موجود میان متغیر مستقل و متغیر وابسته را نشان می‌دهد و یافته‌های به دست آمده نشانگر معنی‌داری بین مؤلفه‌ها و متغیرهای مستقل و وابسته است به همین دلیل معنی‌داری اعداد T-value در بسیاری از زیرشاخص‌ها از ۱/۹۶ بزرگ‌تر است. بر اساس شکل (۷) معنی‌داری اعداد در T-value به این شکل است که اگر از ۱/۹۶ کمتر باشد عددهای جلو مربع‌ها در قسمت راست به رنگ قرمز نشان داده می‌شود و با توجه به مقادیر به دست آمده در پژوهش، از بین ۵۹ زیرشاخص مطرح شده، ۳۵ زیرشاخص دارای مقدار عددی بالای ۱/۹۶ می‌باشد و حدود ۲۴ شاخص دارای مقدار عددی کمتر از ۱/۹۶ می‌باشد بر همین اساس

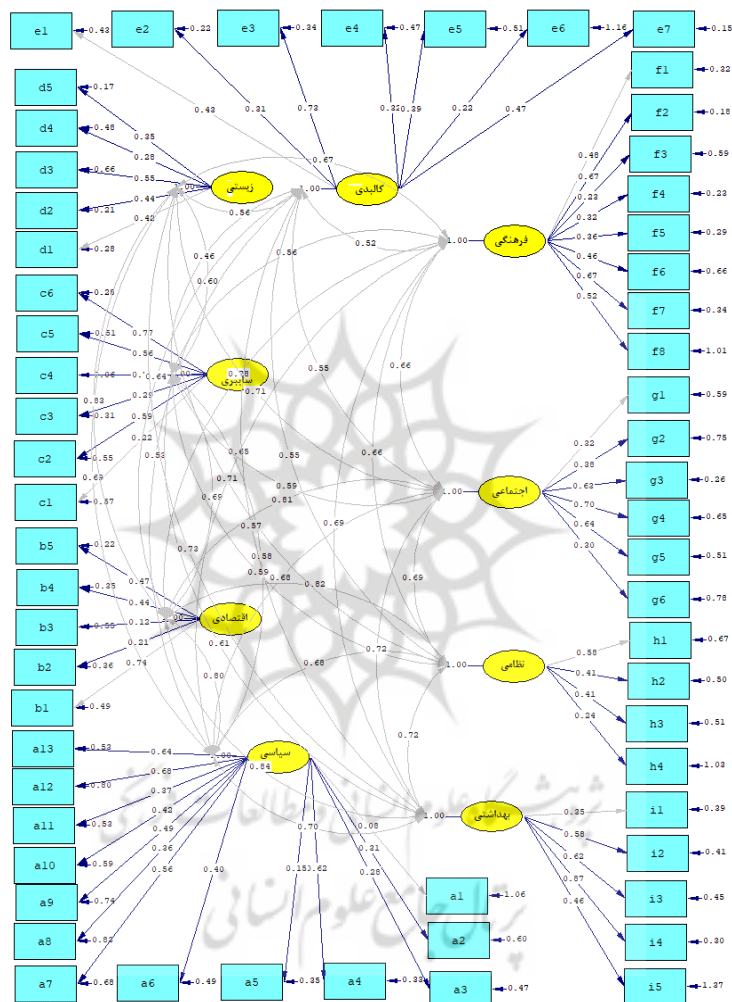
زیرشاخص‌هایی که دارای مقدار عددی بالای ۱/۹۶ می‌باشند نشان‌دهنده و تأییدکننده معنی‌داری رابطه‌ی آن‌ها با امنیت ملی می‌باشند.



شکل (۷): نمودار خروجی T-value مدل‌سازی معادلات ساختاری

در شکل (۸) (Y-Model) یافته‌ها نشان می‌دهد که یک نوع همبستگی و ارتباط منطقی و معنادار در ارتباط شاخص‌ها نسبت به همدیگر ایجاد شده است و بر اساس نتایج این تحقیق بیشترین همبستگی بین شاخص اقتصادی با شاخص بهداشتی (۰/۸۴) و کمترین همبستگی بین شاخص کالبدی با شاخص اقتصادی (۰/۴۶) که نشان از تأثیرگذاری این شاخص‌ها برای امنیت ملی

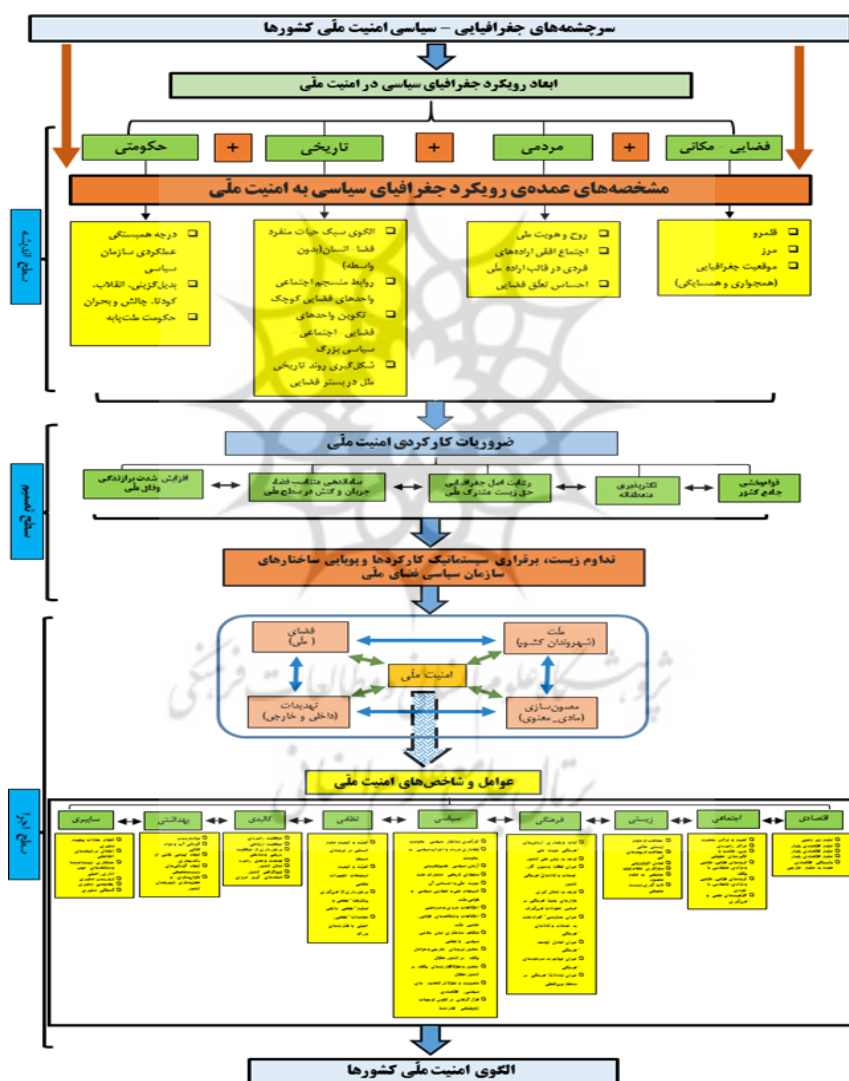
می‌باشند و وضعیت ارتباط و همبستگی سایر شاخص‌ها را نیز می‌توان در شکل (۸) زیر مشاهده نمود.



شکل (۸): نمودار خروجی Y-Model مدل‌سازی معادلات ساختاری

امنیت ملی از ۳ عنصر بنیادین نشأت می‌گیرد که بدون برقراری روابط متقابل و به شرط عدم وجود هر یک از این عناصر، امنیت ملی از نظر هستی‌شناسی دچار نقص خواهد شد. این ۳ عنصر که سرچشمه‌ی پدیداری امنیت ملی هستند عبارتند از: ۱. فضای سرزمینی (ملی) ۲. ملت

۳. مصون‌سازی. از این رو امنیت ملی با تأمین آسودگی خاطر و مصون‌سازی (مادی و معنوی) همه‌ی انسان‌های یک کشور در درون فضای سرزمینی آن پدید می‌آید. به این ترتیب می‌توان امنیت ملی را پدیده‌ای درون‌زا تلقی کرد که در فضای مشخص شده یک کشور افراد ملت را از نظر مادی و معنوی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی مصون می‌سازد.



شکل (۹): الگوی امنیت ملی کشورها

نکات زیر در مورد الگوی نظری ابداع شده برای امنیت ملی در تحقیق حاضر مورد توجه است: الف) ابتناء الگوی طراحی شده برای امنیت ملی بر فلسفه‌ی جغرافیای سیاسی (مکان - انسان مستقر در فضا به واسطه سیاست امنیتی اعمالی، احساس امنیت نماید و برای او ملموس باشد) استوار است.

ب) در این الگو از منظر هستی‌شناسی، حیات انسان‌ها فضامند است که برقراری و تداوم آن بر بستر امنیتی، پایدار است.

ج) ضروری است پویایی و جریان فعل (عمل) در فضا مبنای امن داشته باشد.

د) در این الگو، انسان‌های یک کشور بخشی از عناصر تشکیل‌دهنده و تولیدکننده امنیت ملی هستند نه صرفاً مشتریان در انتظار این کالا.

ه) همه‌ی عوامل و شاخص‌های امنیت ملی در یک محاسبه‌ی تجمیعی هم‌تکمیل قرار دارند که با افت یک عامل یا شاخص، امتیاز منفی به وضعیت نهایی امنیت ملی کشورها وارد می‌کند.

۷. تجزیه و تحلیل

الگوی ارائه شده تحقیق در قالب یک کل منسجم و نظامی از ساختار روابط اجزاء بر ابعاد همه‌جانبه امنیت ملی تأکید دارد، دارای ویژگی‌های کلی به شرح زیر است:

الف) ادراکی بودن

این ویژگی از الگوی امنیت ملی مبین اتکاء اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های ملی بر بستر فضای جغرافیایی به عنوان زیربنا و تخصیص‌های جامعه‌شناختی و جمعیتی به عنوان روبنای مستقر بر فضا است که نظریه‌پردازان امنیتی و رهبران در سطح اندیشه به ادراک آن‌ها دست می‌یابند.

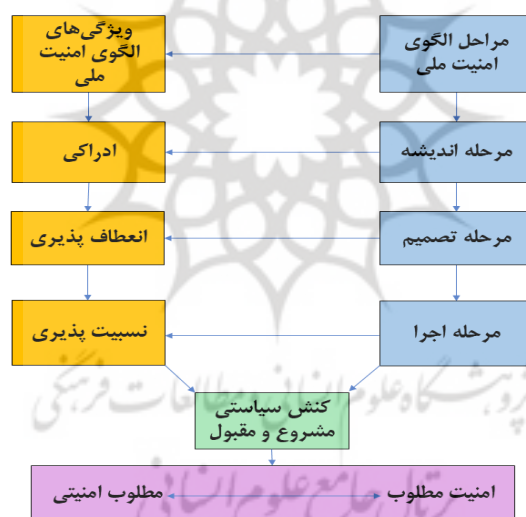
ب) انعطاف‌پذیری

در سطح تصمیم‌ضمن درنظر گرفتن ارتباط دوطرفه بین ضروریات کارکردی امنیت ملی و توجه به تعادل در پویایی سازمان سیاسی فضای ملی باید ملاحظات منعطفانه به این دو مورد داشت و قائل به خصلت انعطاف‌پذیری بود.

ج) نسبت پذیری

به دلیل تفاوت در اختصاصات فضایی کشورها، مرحله اجرای الگوی امنیت ملی برای هر کشور مبتنی بر اختصاصات فضایی، ملاحظات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و ... خواهد بود. در نتیجه سیاست‌گذاری در فرآیند حداکثرسازی مصونیت کشور با توجه به عوامل امنیت ملی از یک کشور به کشور دیگر به طور نسبی متفاوت است.

کشورها برای تأمین امنیت لازم در گستره ملی با استقرار ثبات از سوی حکومت‌ها و پذیرش (اختیاری یا غیراختیاری) مردم به وسیله الگوی کنش سیاستی میان این دو، روبه‌رو هستند. این موضوع تا جایی اهمیت دارد که باید برای تأمین مدل همه‌جانبه امنیت از مکانیسم متناسب و منعطفی استفاده کرد که تأمین امنیت به ضدامنیت تبدیل نشود.



شکل (۱۰): مدل گرافیکی سیاست‌گذاری الگوی امنیت ملی

۸. نتیجه‌گیری

با بررسی مطالعات صورت گرفته از زمان بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون باید گفت که حوزه‌ی مطالعاتی امنیت ملی غالباً با روش‌شناسی تحلیل گفتمان صورت گرفته است. غلبه‌ی روش‌شناسی تحلیل گفتمان بر حوزه‌ی مطالعاتی امنیت ملی، سبب تک‌موردی و مقطعی شدن موضوعات و

مسائل آن شده است. از این رو در این روش‌شناسی اندیشمندان موفق به ارائه الگوی نظری خاصی که پایه‌ای برای مدل سنجش امنیت ملی باشد، نشده‌اند و عمده تمرکز آنان بر گفتمان‌های مقطعی امنیت بوده است. حال آن که در این تحقیق تلاش محققان با دو روش‌شناسی عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی ابداع و طراحی الگوی نظری امنیت ملی بود تا در یک سیستم جامع و به هم پیوسته این الگو به عنوان هدف پژوهش حاصل شود.

دستیابی به یک الگوی نظری جامع که در برگیرنده عناصر متعددی است نیازمند توجه به سرچشمه‌های جغرافیایی - سیاسی، رویکرد و ابعاد آن است. در چنین الگویی آنچه باعث ایجاد حس ایمنی در مکان و فضای جغرافیایی می‌شود، معمولاً در سه لایه اتفاق می‌افتد. ابتدا در سطح اندیشه هر بعد جغرافیای سیاسی و مشخصه‌های آن به عنوان لایه زیرین و بنیادین طرح می‌گردند. در این سطح امنیت ملی با نظر داشت تمامی مشخصه‌های ابعاد رویکرد مذکور از نقطه نظر اندیشه جغرافیای سیاسی نگریسته می‌شود. دومین سطح با دقت به ضروریات کارکردی و لزوم تضمین زیست مشترک ملت یک کشور مرحله اخذ تصمیم و کنش سیاستی است. در این لایه کنش سیاستی و تصمیم برای تأمین امنیت با نگاه به مؤلفه‌های مدیریت سیاسی فضای ملی (کشور) صورت می‌گیرد. سومین سطح که امنیت ملی را در رابطه‌ای متقابل با عناصر چهارگانه هم پیوند مقابل هم به عنوان کانون مفهومی ملت، فضا، تهدیدات و مصون سازی قرار می‌دهد و آن را با عوامل و شاخص‌های تجمیعی اثرگذار برای تصمیم‌پذیری همه‌ی کشورها ارائه می‌کند.

۹. تشکر و قدردانی

با توجه به مستخرج بودن مقاله حاضر از رساله دکتری با عنوان طراحی الگوی امنیت ملی کشورها، لازم می‌دانیم از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به خاطر فراهم آوردن شرایط انجام این پژوهش، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

References

1. Abdullah Khani, Ali (2002). Theories of Security, Publications of Tehran Contemporary Abrar Institute, Tehran, Shabak: x-79-5910-964. **[In Persian]**
2. Alcott, L.M. (2008). The problem of speaking for others. In Voice in qualitative inquiry, PP. 129-148. Routledge.
3. Azad, M.A; Abdullah, S; Arshad, J; Lallie, H; Ahmed, Y.H. (2024). Verify and trust: A multidimensional survey of zero-trust security in the age of IoT. Internet of Things, 27, 101227.
4. Baldwin, D.A. (2018). The concept of security. In National and international security, PP 41-62. Routledge.
5. Bayat, Bahram (2018). Theories of National Security, Publications of the Higher University of National Defense, Tehran, Shabak: 4-29-6885-622-978. **[In Persian]**
6. Bellon, R. (2007, Re 2016). Science at the Crystal Focus of the World. na.
7. Booth, Ken (2007). Theory of World Security, Cambridge University, Press, www.cambridge.org/9780521835527.
8. Brown, C; Ainley, K. (2009). Understanding international relations. Macmillan International Higher Education.
9. Buzan, Barry (1983, 1991 & 2007); People, states and fear: An Agenda for International Security Studies in the post-cold war Era, London: Harvester wheatsheat publication.
10. Buzan, Barry (1991). People, State and Fear: An agenda for international security studies in the post cold war era, second edition Boulder co: Lynne Rienner, 1991, 965.
11. Chandra, Satish; Bhonsle, Rahul. (2015). National Security: Concept, Measurement and Management. Strategic Analysis. 39. 337-359. 10.1080/09700161.2015.1047217.
12. Diskaya, Ali (2013). «Towards a Critical Securitization Theory: The Copenhagen and Aberystwyth Schools of Security Studies», <http://www.e-ir.info/2013/02/01/towards-a-criticalsecuritization-theory-the-copenhagen-and-aberystwyth-schools-of-security-studies/>.
13. Edward E; Azar, Chung-In Moon (1999). National Security in the Third World: The Management of Internal and External Threats, Edward Elgar Publishing (March 1, 1999 15th Edition).
14. Eichler, M. (Ed.). (2015). Gender and private security in global politics. Oxford University Press, USA. ISBN 978-0-19-936437-4.
15. Hafeznia, M.R. (2017). Principles and concepts of geopolitics (2nd rev. ed., 6th ed.). Mashhad, Iran: Papoli Publishing. **[In Persian]**
16. Hafeznia, Mohammad Reza; Kaviani Rad, Morad (2013). Philosophy of Political Geography, Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications. **[In Persian]**

17. Herman, M. (2011). *Intelligence Services in the Information Age* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203479667>.
18. Jahnsn, Doyle Paul (2008). *Contemporary sociological theory*. New York: springer.
19. Kavyanirad, Morad (2007). National security from the perspective of political geography. *Strategic Studies Quarterly*, 7(26), 669-695. **[In Persian]**
20. Lipman, Walter (1993). Quoted in the *Many Faces Of National security in The Arab World*, ed, BahgatKorany, Poul Noble and Pox Brynen, NewYork, st. Martins Press.
21. Lukash, K.E; Lutovinina, J.A. (2017) Topicality of the reserach of economic security as an economic category, chair of economics, faculty of economics and management, bolgorod.
22. Meyer, S.M. (2021). Soviet National Security Decisionmaking: What Do We Know and What Do We Understand?. In *Soviet decisionmaking for national security*. PP 255-297. Routledge.
23. Moradian, Mohsen. (2015). Mathematical modeling to measure external security, case study: Islamic Republic of Iran. *International Quarterly of Geopolitics*, 7(21), 168-201. DOI: 20.1001.1.17354331.1390.7.21.7.8. **[In Persian]**
24. Mutimer, D. (2016). "Critical Security Studies?" in Allen Collins(ED). *Contemporary Security Studies – 4th Edition*. Oxford: oxford Uniiversity Press.
25. Nahapiet, J; Gloschal, S (1998). "Social Capital, Intllectual capital & the organizational advantage"; *Academy of management Review*, 23(2), 242-260.
26. Nye Joseph, S; Seam M. Lynn- Jones (1998). "International Security Studies: A Report on a Couference on The State of the fild", *Inernational Security*, Vol. 12 No. 4, (Spring 1998), PP 14-15.
27. Paleri, Prabhakaran. (2022). *Strategic National Security and National Security Strategy*. In: *Revisiting National Security*. Springer, Singapore. .https://doi.org/10.1007/978-981-16-8293-3_26.
28. Reyhani. M; Manavipour, D (2020). "Standardization and evalution of psychometric properties of Midchildhood developmental assessment tool (MDI)", *Islamic Life Style*, 4(3): 123- 138, 2020. **[In Persian]**
29. SAK, P (2019). Úvod do teorie bezpečnosti (Introduction to security theory). In Porada, V. a kol.: *Bezpečnostní vědy (Security science)*. Plzeň : Vydavatelství a nakladatelství Aleš Čeněk, 2019. 780 p. ISBN 978-80-7380-758-0.
30. Secretariat of the National Security Council of India (2011). *National security indexing (NSI) and measuring the comprehensive national power of countries*, 2011: India, Spring(EN), pp. 268-361.
31. Smith, S (2005). "The Contested Concept of Security" in K. Booth(Ed), *Critical Security Studies and World politics*. Boulder: Lynne Rienner, PP 27-62.
32. Snow, D.M. (2019). *National security*. Routledge.

33. Tayibi Rahani, Ali Asghar; Pishgahi Fard, Zahra; Zaki, Yashar. (2022). Designing a decent urban governance model in the spatial-political dimensions of Tehran metropolis. *Urban Planning Geography Research*, 10(3), 193-213. doi: 10.22059/jurbangeo.2022.345253.1715. **[In Persian]**
34. Vander Hoof, Bort; Hysman, Marlean (2009). Managing Knowledge Sharing: Emergent and Engineering Approach". *Information & Management*, 46, 1-8.
35. Whitworth, Sandra (2008). «Feminist Perspectives», in Paul D. Williams, (ed), *Security Studies: An Introduction*, Routledge.uk. www.eBookstore.tandf.co.uk.
36. Wyn Jones, R (1999). *Security, Strategy, and Critical Theory*. London: Lynne Rienner Publishers.
37. Yandybaeva, N; Rezchikov, A; Gorschkov, E; Bogomolov, A; Kuschnikov, V. (2020). Mathematical models and algorithms for forecasting national security in training situational centers. In 2020 13th International Conference "Management of large-scale system development" (MLSD) (pp. 1-30). IEEE.
38. YazdanPaneh Dro, Kiyomarth. (2017). Changes in geopolitical models of security in the present era. *International Quarterly of Geopolitics*, 5(15), 98-115. DOI: 20.1001.1.17354331.1388.5.15.4.9. **[In Persian]**

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی